

بمناسبت بیستمین سال وفات علامه حبیبی:

یادداشتها در

تاریخ صنایع افغانستان

نگارش

علامه عبدالحی حبیبی

بااهتمام

دکتر حوشحال حبیبی و حبیب الله رفیع

Ketabton.com

کتابشناسی ۸

نام کتاب : یادداشتها در تاریخ صنایع افغانستان

نگارش : علامه عبدالحی حبیبی

ناشر : مرکز تحقیقات علامه حبیبی

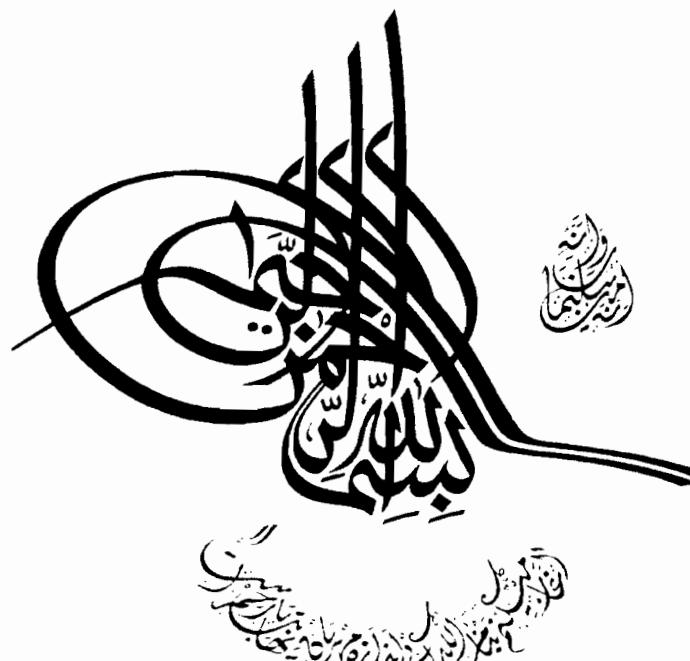
مهتمم : محمدنبی تدبیر

دیزاینر : محمدیوسف "ستانکزی"

جای طبع: مطبوعه صنعتی احمد

تاریخ طبع: ۱۳۸۳ ه ش / ۲۰۰۴ م

تیراز : ۱۰۰۰ نسخه



تها در تاریخ صنایع افغانستان

عبدالحی حبیبی

تحقیقات علامه حبیبی

نبی تدبیر

یوسف "ستانکزی"

صنتی احمد

۱۳ هشتم ۲۰۰۴ م

۱ نسخه

فهرست

صفحه	عنوان
یک	مقدمهء ناشر
۱	بسمه تعالی
۲	خطاطی
۹	تصویری و نقاشی
۱۸	بهزاد و مکتب او
۳۰	اثر مکتب هنری هرات بر فارس
۳۴	مکتب هنری هند
۳۸	تذهیب
۴۱	صحافی و جلد سازی
۴۶	فلز کاری و ترصیع
۴۹	منسوجات
۵۱	قالین بافی
۵۵	ابنیه
۵۸	نجاری

فهرست

صفحه

یکم
۱
۲
۹
۱۸
۳۰
۳۴
۳۸
۴۱
۴۶
۴۹
۵۱
۵۵
۵۸

مقدمه

افغانستان کشور باستانیست که زندگیش در سه دوره از هم مختلف مطالعه میشود:

یکی دوره قبیل از تاریخ است که انسانهای مغاره نشین در آن زندگی آغاز کرده و از پنجاه هزار سال بدینسو نمونه های صنایع، هنرها و کارهای ابتدایی شان بدست ما رسیده است، آنها در ابتدا از سنگ افزار بسیار ابتدایی کار و شکار را ساخته و وقتیکه احتیاجات اولیه زندگیشان بر آورده شده بعد از آن بر دیوارهای غارهای مسکونی خود رسمهای بسیار ابتدایی را کشیده که در شمال افغانستان در سمهچهای خود در پهلوی نقاشیهای دیگر چهره سمارق مانند انسان رانیز کشیده و بهمین ترتیب آهسته، آهسته ظروف و افزار سنگی، گلی و باز برنجی و آهنه را ساخته و صنایع و هنرها را بشکل ابتدایی آن بوجود آورده است.

یکم

دوره دوم دوره نیمه تاریخی، افسانوی یا دوره سرودها است، این دوره چنان دوره خاص زندگی افغانستان است که در زندگی دیگر کشورها وجود ندارد، درین دوره خط هنوز ایجاد نشده بود اما در آریانا ریشیان (شاعران) با سرودن اشعار اخلاقی خود راهنمایی مردم رامیکردن و بشکل شفاهی دوره آموزش و پرورش آغاز گردیده بود.

دوره سوم دوره تاریخی کشور است که درین دوره خط ایجاد گردیده بود، شاه مدبر آریانا یما یا جمشید در بلخ پایتخت باستانی کشور، بنیاد تمدنی شگوفان آریایی را گذاشته بود و بعد ازان سپین تمدن زردهست دینی را که به شعار پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک استوار بود، بوجود آورد. بعد از ان با آمدن سکندر به آریانا تمدن یونانی با تمدن آریانی خلط گردید و بعد ازان دین بودایی به افغانستان آمد.

در نتیجه این تحولات و وقایع دیگر، صنایع و هنر اکشاف کرد و خصوصاً با آمدن دین بودایی در نقاشی و مجسمه سازی مکتب مستقل هنر گندهارا پا بعرصه وجود گذاشت و در افغانستان هزارها اثر هنری خلق و ابداع گردید.

با آمدن دین مقدس اسلام به افغانستان در جهان هنر و صنایع تجربه های نو صورت گرفت، صنایع ظریف و زیبا رواج یافت خصوصاً فنون و هنرهای خطاطی، تذهیب، نقاشی، میناتور و صحافی پیشرفت چشمگیری کرد و سبکها و مکتبهای مختلف دران ایجاد گردید.

شاد روان علامه عبدالحی حبیبی که نویسنده مبتکر، مؤرخ بصیر، و عالم علامه بود در تحقیقات عمیق و دقیق علمی و تاریخی خود در بارهٔ صنایع و هنر افغانستان پژوهش‌های زیادی کرده است که درین راستا از مقاله و رساله گرفته تاکتب ضخیم برشته تحریر در آورده بود.

«هنر عهد تیموریان» اثری از استاد بود به قطع بزرگ و بیش از هزار صفحه که قبلاً نشر شده است و همچنین درین باره در اوقات مختلف مقالات و رساله های زیادی نگاشته است.

درین سلسله در آثار استاد علامه، رساله بی تحت عنوان «یادداشتها در تاریخ صنایع افغانستان» موجود است که در سال ۱۳۴۳ در پنج شماره مجله، آریانا بطور مسلسل نشر شده است. درین رساله در دوره اسلامی افغانستان در باره هنر ها و صنایع خطاطی، نقاشی، مصوری، نذهیب، صحافی، فلزکاری، منسوجات، قالینبافی، ابینیه و نجاری مطالب تحریر و تحت بررسی گرفته شده است.

همچنین در آثار علامه حبیبی رساله بی قلمی پیشتو تحت عنوان «په شلمه سدی کې د افغانستان هنر» موجود است که دران خطاطی، نقاشی و رسامی، تیاتر، ساز و آواز و اتن ملي، تعمیرات و ابینیه، البسه و مفروشات، سنگتراشی و حکاکی، مسگری و آهنگری، نجاری، پاپوش سازی، سراجی، کلالی، زرگری معاصر و تشبیثات دولتی درینباره را به بررسی میگیرد.

درین رساله علامه حبیبی هنر افغانستان را از سال ۱۲۸۰ تا ۱۳۵۲ شمسی تحت بررسی قرار داده اما سال نگارش آن بعد از ۱۳۵۷ است، بخاطریکه اولین مسوده این رساله را بر پشت اوراق چاپی یک جنتری سال ۱۳۵۷ تسوید کرده و همچنین در متن آن جایی سال ۱۳۵۹ ذکر است و بدینترتیب این اثر کوچک ولی مؤجز و مهم اوایل آخرین آثار زندگی وی محسوب میگردد.

سوم

اریخی، افسانوی یا دوره سرودها است، این زندگی افغانستان است که در زندگی دیگر دوره خط هنوز ایجاد نشده بود اما در آریانا اشعار اخلاقی خود راهنمایی مردم را میکردند و پرورش آغاز گردیده بود.

بخی کشور است که درین دوره خط ایجاد یما یا جمشید در بلخ پایتخت باستانی کشور، را گذاشته بود و بعد ازان سپین تمان زردشت نیک، گفتار نیک و کردار نیک استوار بود، آمدن سکندر به آریانا تمدن یونانی با تمدن ان دین بودایی به افغانستان آمد.

و وقایع دیگر، صنایع و هنر اکتشاف کرد و در نقاشی و مجسمه سازی مکتب مستقل گذاشت و در افغانستان هزارها اثر هنری

لام به افغانستان در جهان هنر و صنایع تجربه بیع ظریف و زیبا رواج یافت خصوصاً فنون و نقاشی، میناتور و صحافی پیشرفت چشمگیری لف دران ایجاد گردید.

حبیبی که نویسنده مبتکر، مؤرخ بصیر، و عمیق و دقیق علمی و تاریخی خود در باره هشاهی زیادی کرده است که درین راستا از ته تاکتب ضخیم بر شته تحریر در آورده بود.

دوم

در حقیقت این هردو رساله صنایع و هنر افغانستان را در دوره اسلامی به بررسی میگیرد، اشکال و انواع این صنایع را بما می نمایاند و صنعتگران و هنرمندان این صنایع زیبا را معرفی میدارد.

مرکز تحقیقات علامه حبیبی که وظیفه گرد آوری و طبع آثار وی را دارد، این دو رساله را آماده طبع کرد که پهلوی هم چاپ شود و برای علاقمندان صنایع و هنرهای افغانستان عزیز معلومات مفید و مهمی را ارایه نماید.

ما تلاش داریم تمام کتب و رسائل قلمی و چاپی علامه حبیبی را بشکل جداگانه نشر نماییم و تمام مقالات وی را در مجموعه بیست جلدی بنام نز مقابله / هزار مقاله گرد آوریم و همچنین اشعار و افکار او را در رساله های جداگانه چاپ کنیم و هم در باره آثار و زندگی این عالم گرانسایه، تحقیقات، رساله ها و مقاله ها را بدست نشر بسپاریم.

با دادن این مزده گفتار خود را خاتمه می بخسیم و بخوانش این دو اثر ظاهراً کوچک ولی معناً بزرگ استاد، شما را دعوت میدهیم!

با احترام

مرکز تحقیقات علامه حبیبی

۱۳۸۳/۸/۱۷

چهارم

ن هردو رساله صنایع و هنر
اسلامی به بررسی میگیرد، اشکال و انواع
ایاند و صنعتگران و هنرمندان این صنایع زیبا

ات علامه حبیبی که وظیفه گرد
زرا دارد، این دو رساله را آماده طبع
شود و برای علاقمندان صنایع و هنرهای
بد و مهمی را ارایه نماید.

تب و رسائل قلمی و چاپی علامه حبیبی را
و تمام مقالات وی را در مجموعه بیست
مقاله، گردآوریم و همچنین اشعار و افکار او
چاپ کنیم و هم درباره آثار و زندگی این
حقیقات، رساله ها و مقاله ها را

فتار خود را خاتمه می بخسیم و بخوانش این
عنای بزرگ استاد، شما را دعوت میدهیم!

با احترام
از تحقیقات علامه حبیبی
۱۳۸۲/۸/۱۷

چهارم

بسمه تعالیٰ

یکی از موضوع های بسیار مهم و دلچسپی که باید در تاریخ کشور ما با
دقت و تحقیق و کنجکاوی فراوان جستجو و فراهم آوری شود معلوماتی
است در بارهٔ صنایع مختلف که در ادوار سابقه در افغانستان وجود
داشته است.

تاریخ صنایع و هنر های نفیس جزو معتقد به فرهنگ باستانی ماست و
باید تمام نکات و جزویات آنرا فراهم آوریم و در آینده در پایان هر فصل
تاریخ اوضاع صنعتی همان دوره را با سطح و تفصیل، مورد بررسی قرار دهیم.
نویسنده این سطور در حین مطالعه کتب تاریخی نکات و یادداشت‌هایی را
درین مورد فراهم آورده ام، که کافی و جامع و مانع نیست، ولی برای اینکه
ضایع نشود و در آینده بدرد نویسنده‌گان گرامی این رشته بخورد، آنرا به قید
قلم می‌سپارم و ممکن است که در حین ترتیب و تدوین تاریخچه صنعت و
هنر سودمند افتد، و هر مبحث آن بموقع خود گذاشته شود.

خطاطی

یکی از صنایع بسیار جالب و زیبای خراسان در دوره اسلامی هنر خوش نویسی است حتی برخی از دانشمندان هنر شناس معتقد اند، توجهی را که این مردم در ترتیب کتابهای خطی داشته اند بی نظیر است و هیچ یک از ملل عالم نتوانسته است پایه آنها برسد.

وقتی انسان یکی از کتب خطی این مردم را بدست میگیرد نمیداند چه قسمت آنرا بیشتر مورد دقت قرار دهد؟ زیرا تزئینات و تذهیب کاری و جاذبه و رنگ آمیزی و زیبایی خط و نقش و نگار جلد آن هر یک در خور دیدن و سحر انگیز است. که بینده بی اختیار از دیدن تمام این محاسن هنری در شگفت می ماند. (۱)

صنعت خطاطی از اوایل دوره اسلامی در افغانستان رواج داشت، و برسم الخط کوفی که بقول دکتور ولفسون از رسم الخط نبطی متأخر برآمده بود. (۲) و عربها آن را در قرن هفتم میلادی در افغانستان رواج داده بودند، کتابها و کتیبه های خود را می نوشتند.

قدیمترین کتیبه این رسم الخط در افغانستان تا جایی که اکنون مکشوف و معلوم است در وادی توجی وزیرستان بریک سنگی بدست آمده، که در جمادی الاولی (۲۴۳ هـ ۱۸۵۷ م) در باره تعمیر بنایی نوشته شده و نه سطر برسم الخط کوفی و زبان عربی و پنج سطر رسم الخط سره دانا گری Sarada Nagri و زبان سنسکریت دارد، که این سنگ نبشه اکنون در موزه پشاور موجود است (۳) و از ملاحظه آن پدید می آید، که در اواسط قرن سوم هجری در حواشی شرقی افغانستان رسم الخط کوفی توأم با رسم الخط سنسکریت رواج داشت، و نفوذ آداب و رسوم اسلامی و عربی تا کوهسار توجی پهن شده بود.

کتیبه دیگر بهمین رسم الخط کوفی ساده بدون تزئینات بر کنار دریای سند در خرابه های شهر قدیم و یهند که بعد از عقب نشینی کابلشاهیان از فتوحات اسلامی پایتحت ثانی ایشان بود. بر دیوار کهن چاهی در سنه ۱۸۹۴ م پیدا شده و بران بزبان عربی و رسم الخط کوفی چنین نوشته است: "بسم الله الرحمن الرحيم بناهذا البئر ابو جعفر محمد بن عبدالجبار بن محمد الجوزجانی فی ذی القعده سنہ اثنی و ثمانین و اربعماہه" (۴)

این کتیبه که بسال ۴۸۲ هـ ۱۰۹۰ م تعلق دارد نفوذ کامل رسم الخط کوفی را در افغانستان تا کرانه های اباسین بثبوت میرساند و اینکه کتیبه از طرف یکنفر فقیه جوزجانی افغانستان نصب شده، بجائی خود مهم و دلچسپ است.

خطاطی

جالب و زیبای خراسان در دوره اسلامی هنر برخی از دانشمندان هنر شناس معتقد اند، توجهی بب کتابهای خطی داشته اند بی نظیر است و هیچ است پایایه آنها برسد.

کتب خطی این مردم را بدست میگیرد نمیداند چه وقت قرار دهد؟ زیرا تزئینات و تذهیب کاری و زیبایی خط و نقش و نگار جلد آن هر یک در خور که بیننده بی اختیار از دیدن تمام این محاسن هنری

بل دوره اسلامی در افغانستان رواج داشت، و برسم تور و لفنسون از رسم الخط نبطی متأخر برآمده بود. (۵) هفتم میلادی در افغانستان رواج داده بودند، کتابها نوشتند.

قدیمترین کتابهای این رسم الخط که تا کنون بخط مردم خراسان در موزه های اروپا و کتب خانه ها موجود اند عبارتند از کتاب الابنیه عن حقایق الادویه تألیف ابو منصور موفق هروی که در شوال ۴۴۷ هـ (جنوری ۱۰۵۶ م) بخط علی بن احمد طوسی خواهر زاده یا برادر زاده فردوسی خراسانی نوشته شده و نسخه واحده خطی آن در کتب خانه و یانا است^(۵) دیگر جلد ثالث شرح کتاب التعرف لمذهب التصوف است که در حدود (۳۹۰ هـ) زاهد فقیه امام ابو ابراهیم اسماعیل بن محمد مستملی بخاری (متوفی ۴۳۴ هـ) کرده است^(۶) این کتاب از مهمترین آثار قدیم زبان فارسی فصیح عصر سامانی است که یک نسخه خطی قدیم آن با خط بسیار پخته و زیبای کوفی در ۲۴ شوال ۴۷۳ هـ ۱۰۸۰ م نوشته شده و در پشاور پنستونستان در کتب خانه مولانا فضل صمدانی موجود بود.

دیگر کتاب خطی بهمن رسم الخط کتاب هدایة المعلمین تألیف ابوبکر ریبع ابن احمد بخاریست، که نسخه خطی واحده آن در اکسفورد انگلستان موجود و نوشته (۴۷۸ هـ) است.

از نسخه خطی کتاب ترجمان البلاعه محمد بن عمر را دو یانی که در سنه ۵۰۷ هـ بخط ارد شیرین دیلمسپار قطبی از شاگردان اسدی طوسی نوشته شده و در کتب خانه فاتح استانبول موجود است پدید می آید^(۷) که رسم الخط کوفی از اوایل دوره اسلامی تا اواخر دوره غزنویان و عصر سلجوقیان برای نوشتن کتب استعمال می شد. اما از مقابله قدیمترین نمونه خط کوفی که تا کنون کشف شده و در حران جبل دروز بر سنگی

بالای کلیسايی بزبان عربی و یونانی نقش و متعلق به سال ۵۶۸ است، و بعد از آن بر کتیبه قبری در مصر همین رسم الخط مربوط بسال ۳۱ ه م وجود است. (۸) معلوم می شود که خط کوفی اوایل خیلی ساده و بسیط و نازیبا و حروف آن خیلی فراخ و کم ارتفاع بود. ولی بمرور زمان ذوق مردم خراسان آنرا پرورانید تا که در اوایل قرن پنجم هجری کشیده و زیبا شده و در دوره سلجوقی خط کوفی بر دقت و زیبایی خود افزود. (۹) تا که خط نسخ ازان بوجود آمده و بعد از آن در قرن هفتم به تعلیق تحول کرد و از مجموعه نسخ و تعلیق خطی بنام نستعلیق بمیان آمد، که رقت و شیوایی و سهولت و نرمی و ارتجالی را دران مشاهده میکنیم. (۱۰) اختراع خط نستعلیق منسوب به قبله الكتاب میر علی از درباریان تیموریه خراسان است یک نسخه خطی همای و همایون خواجهی کرمانی بتاریخ ۷۹۹ ه (۱۳۹۷ م) بقلم او نوشته شده و در موزه برتانیاست. (۱۱) مکتب نستعلیق نویسی در خراسان و هرات در سایه هنر پروری تیموریان در عصر رنسانس هنری هرات باوج کمال رسید. عبدالله پسر میر علی کار پدر را تکمیل کرد و از دو نفر شاگردان میر علی، مولانا جعفر ریاست دیر خانه بایسنقر میرزا را در هرات داشته و چهل نفر خوشنویس، زیر دست او بودند.

جهنر بایسنقری در اکادیمی هرات نفیس ترین کتب دنیا یعنی نسخه شهنامه فردوسی را در سنه ۸۲۳ ه (۱۴۲۰ م) نوشته (موزه گلستان تهران) که بجاиш شرح داده خواهد شد. همچنین نسخه خطی گلستان سعدی را

رسم الخط که تا کنون بخط مردم خراسان در خانه ها موجود اند عبارتند از کتاب الابنیه عن منصور موفق هروی که در شوال ۴۴۷ ه (جنوری ۱۳۷۰ م) طوسی خواهر زاده یا برادر زاده فردوسی نسخه واحده خطی آن در کتب خانه و یانا شرح کتاب التعرف لمذهب التصوف است که فقیه امام ابو ابراهیم اسماعیل بن محمد مستملی کرده است (۶) این کتاب از مهمترین آثار قدیم سامانی است که یک نسخه خطی قدیم آن با کوفی در ۲۴ شوال ۴۷۳ ه (۱۰۸۰ م) نوشته شده و کتب خانه مولانا فضل صمدانی موجود بود.

همین رسم الخط کتاب هدایة المتعلمين تأليف بخاریست، که نسخه خطی واحده آن در دو نوشته (۴۷۸ ه) است.

ترجمان البلاعه محمد بن عمر را دو یانی که در شیرین دیلمسپار قطبی از شاگردان اسدی طوسی خانه فاتح استانبول موجود است پدید می آید (۷) اواخر دوره اسلامی تا اواخر دوره غزنویان و شتن کتب استعمال می شد. اما از مقابله قدیمترین کنون کشف شده و در حران جبل دروز بر سنگی

همين جعفر در هرات بسال ۸۳۰ هـ (۱۴۲۶ م) برای شهزاده بایسنقر نوشت که بهترین کتابهای خطی کلکسیون چستر بیتی لندن شمرده میشود، و علامت کتابخانه بایسنقر میرزا را دارد.

عدد زیاد نسخ خطی عالی مکتب هرات متعلق بدورة شاهرخ اند. یک نسخه عالی خمسه نظامی که در مجموعه لویی کارته در پاریس موجود است ممکن است به مهر شاهرخ است. (۱۲) اما شاگرد دیگر میر علی، مولانا اظهر (متوفی ۸۸۰ هـ ۱۴۷۵ م) هنرمند جهانگردی بود، که خط نستعلیق را از هرات تاییت المقدس نشر داد، و یک شاگردش سلطان علی از ۸۷۵ تا ۹۱۲ هـ در هرات بدربار سلطان حسین باقرا بسر می برد، که دیوان وزیر هرات میرعلی شیر نوایی را در ۹۰۵ هـ ۱۴۹۹ م نوشت و بخط همین استاد، نسخه گوی و چوگان عارفی بین سالهای ۸۷۰-۸۸۰ م در هرات نوشته شد که اکنون به نمره ۱۸۱۰ در کتابخانه فاتح در استانبول موجود است.

یکی از آثار آنزمان که مصدر الهام برای هنرمندان این مکتب بوده، دیوان شاعر معروف حضرت جامی است (۸۱۷-۸۹۸ هـ ۱۴۱۴-۱۴۹۲ م) در موزه متروپولیتن نسخه یی ازین دیوان موجود است که بین سالهای ۸۶۸-۸۸۴ هـ در زمان حیات جامی بوسیله خطاط معروف عبدالکریم خوارزمی نوشته شده و از لحاظ سبک خط شباهت زیادی به نسخه یی ازان دیوان دارد، که در سال (۸۶۸ هـ ۱۴۶۳ م) توسط عبدالرحیم برادرش استنساخ شده، این هر دو خطاط زبردست شیوه خط نستعلیق را تغییر

دادند، و فرزندان عبدالرحمن خوشنویس معروف بودند. (۱۳) خطاطان معروف و هنرمندان دیگر در اکادمی هرات عبدالکریم ولد عبدالرحمن خوارزمی، و ابراهیم بن شاهرخ بن تیمور و خود بایسنقر میرزا است، که درین دوره بعد از پیشرفت خط نستعلیق دو نوع خط دیگر یعنی خط دیوانی و دشتی نیز بوجود آمده است. (۱۴)

هنر خطاطی در افغانستان دوره ارتقای خود را تکمیل کرد، و در قرن نوزدهم دو مکتب خاص دران موجود بود. اول مکتب میرعبدالرحمن هروی که در اوآخر عصر سقوط سدو زائیان میزیست و در نستعلیق نویسی آیتی بود و همین مکتب را تا کنون برخی از شاگردان این دبستان تعقیب می نمایند، که یکی از ایشان دانشمند فیضی کابلی است و درین اوآخر مناجات حضرت خواجه عبدالله انصاری را بهمین اسلوب نوشته و عکاسی شده است و پیش ازین مرحوم میرزا محمد یعقوب از خطاطان معروف این مدرسه بود.

مکتب معروف دیگر نستعلیق دبستان سید عطا محمد شاه قندھاریست که فرزندش سید عثمان آقا و دو نفر شاگردش سید داؤد الحسینی و سید ایشان آقا تا کنون چشم و چراغ این محفل اند، و این هنرمندان رویه میر عmad معروف را پیروی نمایند.

علاوه برین دبستان خط شکسته نیز در چند قرن اخیر موجود بوده و نمونه های خوبی ازین اسلوب بخط مرحوم سردار غلام محمد خان طرزی

سال ۸۳۰ هـ (۱۴۲۶ م) برای شهزاده بایسنقر نوشته طلی کلکسیون چستر بیتی لندن شمرده میشود، و ر میرزا را دارد.

عالی مکتب هرات متعلق بدوره شاهرخ اند. یک ظامی که در مجموعه لوبي کارتیه در پاریس مهر شاهرخ است. (۱۲) اما شاگرد دیگر میر علی، ۸ هـ (۱۴۷۵ م) هنرمند جهانگردی بود، که خط المقدس نشر داد، و یک شاگردش سلطان علی هرات بدربار سلطان حسین باقرا بسر می برد، که شیر نوایی را در ۹۰۵ هـ (۱۴۹۹ م) نوشت و بخط چوگان عارفی بین سالهای ۸۷۰-۸۸۰ م در یون به نمره ۱۸۱۰ در کتابخانه فاتح در استانبول

که مصدر الهام برای هنرمندان این مکتب بوده، سرت جامی است (۸۱۷-۸۹۸ هـ - ۱۴۱۴-۱۴۹۲ م) چه یی ازین دیوان موجود است که بین سالهای حیات جامی بوسیله خطاط معروف عبدالکریم ز لحاظ سبک خط شباهت زیادی به نسخه یی سال (۸۶۸ هـ ۱۴۶۳ م) توسط عبدالرحیم برادرش خطاط زبردست شیوه خط نستعلیق را تغییر

افغان دیده شده و درین وقت بناغلی عزیزالدین پوپلزی در انواع خطوط هنر نمایی دارد.

مأخذ:

- (۱) صنایع ایران بعد از اسلام از دکتور زکی محمد حسن مصری، ص ۶۴ ترجمه و طبع تهران ۱۳۲۰.
- (۲) تاریخ اللغات السامیه طبع مصر.
- (۳) مجله اپیگرافیا اندیا اسلامیکا ۱۹۲۶ م.
- (۴) هیند بک آف پشاور موزیم ص ۹ و ۱۰.
- (۵) تاریخ ایران از براؤن ج ۱ ص ۶۹۲.
- (۶) کشف الظنون ۴۱۹.
- (۷) رجوع بطبع عکسی احمد آتش از استانبول ۱۹۴۹.
- (۸) تاریخ اللغات السامیه طبع مصر.
- (۹) مهم ترین آثار این ادوار افغانستان در رسم الخط کوفی کتیبه قبر سلطان محمود در غزنه ۴۲۱ ه و کتیبه بنای مرقد حضرت امام یحیی بن زید مقتول ۱۲۵ ه در سریل (جوزان) است که تاریخ ندارد.
- (۱۰) دکتور زکی حسن در کتاب تاریخ صنایع بهواله سروی آف پرشن آرت ۲/۱۷۳۲.
- (۱۱) رهنمای صنایع اسلامی اردیماند ترجمه فارسی طبع تهران ۱۳۲۶.
- (۱۲) راهنمای صنایع اسلامی ۵۵.
- (۱۳) راهنمای صنایع اسلامی ۵۷.
- (۱۴) زکی محمد حسن در صنایع ایران ص ۷۰.

تصویری و نقاشی

از آثار مانوی که در تورفان کشف شده و نیز از عننهٔ قدیمی که در ادب و کلتور ممالک آسیای وسطی موجود است فهمیده می‌شود، که تصویری و نقاشی در خراسان از عصور قبل از اسلام رواج داشته و در افغانستان از امتراج هنر بودایی و یونانی، سبک هنری گریکوبودیک در مدارس گندهارا بوجود آمده بود، که در عصر کوشانیان این هنر در افغانستان صبغهٔ خاص محلی را یافته بود.

تصویری و مجسمه سازی گندهارا در ادب و آرت دورهٔ اسلامی آنقدر نفوذ نمود، که شعرای قدیم فارسی بت قندهار و نقش قندهار را سمبل حسن و جمال قرار دادند. سنائي غزنوي گفت:

صانعی باید حکیم و قادر و قایم بلات تا پدید آید ز صنع وی بنان قندهار(۱)
حتی گاهی تنها کلمهٔ قندهار سمبل زیبائی و جمال بود، ناصر خسرو علوی گفت:

سوی شاخ بادام شو بامداد اگر دید خواه هم رقند هار (۲)

در دورهء اسلامی در افغانستان فن نقاشی و مصوری را از عهد سامانیان بلخی سراغ داریم، بدین معنی که در قرن چهارم هجری نصر بن احمد سامانی نسخهء ترجمه شدهء کلیله و دمنه را بوسیلهء نقاشان چینی مصور نموده بود و نقاشی روی دیوار های کاخها نیز از همین دوره مرسوم بود، که آستانه معروف هر سفلد در سیستان نمونه هایی ازان یافته است. (۳) و هنگامیکه آثار لشکر گاه غزنویان در بست کنار هلمند کشف شد، و بر دیوار های آن تصاویر غلامان محمودی دیده می شود، از ملاحظهء آن به یقین می پیوندد، که هنر مصوری در ان عهد چه مراحلی را می پیمود و علاوه برین از روایت ابو الفضل بیهقی میدانیم، که شهزاده مسعود فرزند سلطان محمود در باغ عدنانی هرات عیش خانه بی داشت که دیوار های آنرا به نقوش و تصاویر گوناگون آراسته بودند. (۴) اما نقاشی های دیواری که در دورهء ساسانی مرسوم بوده است در دورهء اسلامی استعمال آن منحصر بدیوار های حمامها و تالارها و سالن های خصوصی شده و در دورهء اسلامی مکتب های مصوری سلجوقی و مغولی و تیموری و صفوی معروف است که منبع و پرورشگاه تمام این مکاتب هنری باز خراسان بوده و در خاکهای پارس و عراق و تورکیه پروردگار شده است. (۵)

یک نسخه شاهنامه فعلأ در موزه طوبیاپسرای استانبول هست که در سال ۷۱۳ هـ ۱۳۳۱ م نوشته شده، ولی صور و نقوش این نسخه برش میان

صورتهای مکاتب سابق و لاحق بوده و بازگشت زمینه^۶ قرمز رنگ سلجوقی و سادگی و عدم تصنیع در رسوم اشخاص آن دیده می شود، که تأثیر روش مغولی در آرایش لباس و مناظر کوهستانی گل و بوته آن نیز مشهود است. (۶)

از بهترین صور نقاشی شده سبک مغولی افغانستان در حدود بعد از قرن ششم هجری مرقعی است از کلیله و دمنه که بعداً برای شاه طهماسب اول صفوی فراهم آوری شده و اکنون در کتابخانه^۷ پوھنتون استانبول موجود است.

در کشیدن صورت اشخاص این مجموعه دقت و مهارتی دیده می شود و نقاش از روشهای چینی عناصری را در ان اقتباس کرده، که در مناظر طبیعی آن بنظر می آید و در مراتعات حالت طبیعی و اتفاقاً اشکال آدمی و حیوانی بحدی موفق است که هنرمندان و نقاشان تبریز هم با آن پایه نرسیده اند. بهر حال یک روحانیت و حالت طبیعی در این مجموعه مشهود است که بما اجازه میدهد آنرا از صنایع هرات که در نیمه قرن هشتم صنایع و فنون دران بر اثر پایتخت بودن سلاطین کورت رونق یافه بود، بدانیم. اما این صور و اشکال خالی از یک روح هندی نیست و شاید دلیل این باشد که سلاطین کورت منسوب به غوریان اند، که در سالهای (۵۴۳-۶۱۲ هـ ۱۱۴۸/ ۱۲۱۵ م) بر افغانستان و هند حکومت کرده اند و این رابطه و نسبت که بین دو سلسله بوده است در فنون هنر هرات تاثیر داشته است. (۷)

اگر دید خواهر همرفندهار (۲) فغانستان فن نقاشی و تصویری را از عهد سامانیان معنی که در قرن چهارم هجری نصر بن احمد کلیله و دمنه را بوسیله نقاشان چینی تصویر دیوار های کاخها نیز از همین دوره مرسوم بود، بد در سیستان نمونه هایی ازان یافه است. (۳) و غزنویان در بست کنار هلمند کشف شد، و بر لامان محمودی دیده می شود، از ملاحظه آن به تصویری در ان عهد چه مراحلی را می پیمود. الفضل بیهقی میدانیم، که شهزاده مسعود فرزند نانی هرات عیش خانه بی داشت که دیوار های گوناگون آراسته بودند. (۴) اما نقاشی های ساسانی مرسوم بوده است در دوره اسلامی ر های حمامها و تالارها و سالن های خصوصی مکتب های تصویری سلجوقی و مغولی و است که منبع و پرورشگاه تمام این مکاتب در خاکهای پارس و عراق و تورکیه پروردۀ در موزه طوپقاپوسراي استانبول هست که در شده، ولی صور و نقوش این نسخه بزرخ میان

این رأی مؤلف صنایع اسلام قرین بصواب است زیرا از ملاحظهٔ تاریخ سیفی هروی که از مورخان دربار آل کورت هرات است بخوبی میدانیم که شاهان آل کورت تا درهٔ بولان و حدود سر زمین سند حکمرانی داشتند و شاید آثار هنری هندی را بدربار خویش در اثر تماس با مردم سند به هرات انتقال داده باشند.

در سال ۷۶۱ هـ = ۱۳۷۰ م سمرقند پایتحت تیمور شد، وی مشهور ترین هنرمندان را در آن شهر فراهم آورد اما تابلوهای نقاشی که شهر سمرقند منصوب اند خیلی کمیابند و بهمین جهت شاید ممکن نباشد آثار فنی زیادی باآن نسبت داد، فقط میتوان اشکال منقول از نمونه‌های چینی و بعضی اشکال دیگر را که روشهای چینی در آن تاثیر کرده و مشتمل بر رسوم و اشکال حیوانات حقیقی و خرافی و بعضی کتابهای خطی علوم فلکی را منسوب باآن شهر دانست. (۸)

شاهرخ (۸۰۷-۱۴۰۴ هـ = ۱۴۴۷-۱۴۴۷ م) پسر و جانشین تیمور هرات را مقر حکومت خود قرار داد، وی عدهٔ زیادی از هنرمندان را برای استنساخ و مصور ساختن کتب جهت کتابخانهٔ خود استخدام کرد، که در بین آنها خلیل نقاش را میتوان نام برد، که در آن زمان یکی از عجایب اربعه و تالی مانی بشمار میرفت. (۹)

بایسنقر میرزا (متوفی ۱۴۳۳ م) پسر شاهرخ یک کتابخانه و مدرسهٔ فنون کتابت تأسیس کرد، که در آن چهل هنرمند از قبیل نقاش و خوش نویس و صحاف کار میکردند، و در رأس آنها جعفر بایسنقری خطاط

مشهور بود، از ملکه نقاشان امیر شاهی سبزواری و غیاث الدین را میتوان نام برد، غیاث الدین جزویک هیئت سیاسی از طرف شاهرخ به چین فرستاده شد. (۱۰)

چون روابط محکم بین دربار هرات و خاندان شاهان منگ چین (۷۷۰-۱۰۵۴م) موجود بود و سفرای جانبین بدربار های یکدیگر فرستاده می شدند، بنابران تأثیر هنر چینی در مکتب فنی هرات نمایان است که از آن جمله تزئین جلد های کتب به رسوم حیوانات خرافی چینی است. (۱۱) اگر چه نقاشان دربار بصور ساختن شاهنامه ادامه میدادند، اما موضوعی که بیشتر توجه آنها را جلب میکرد، اشعار عاشقانه و تصوفی بود، که برای نقاشی این اشعار مکتب هرات سبک جدیدی ابداع کرد، که متناسب با معنی و مفهوم اشعار غنایی و عاشقانه باشد.

معمولآً اشکال انسان درین تصاویر ظریف و کوچک ترسیم شده و منظره آن کاملاً محیطی و تزئینی و دارای افق بلند و جبال اسفنجی است، رنگ آمیزی این تصاویر روشن و هم آهنگ است و با مقایسه با نقاشی دوره اولیه مغول، رنگهای جدید بآن اضافه شده است.

ایجاد این سبک خاص در نقاشی که بتدریج نفوذ های خارجی دران مستهلک گردید مرهون مکتب نقاشی هرات است بدین تفصیل:

در عصر شاهرخ فن نقاشی مرحله اقتباس و فراگرفتن از فنون اجنبی را پیمود، و بدوره جوانی خود رسید، و توانست چیز های را که از دیگران گرفته است در خود تحلیل کرده و جزء لایتجزای خود سازد. در صور و

اشکالی که در اواخر قرن ۸ هـ (۱۴۰۱م) کشیده شده میتوان مهمترین وسایل تزئینات سبکهای فنی را دید، و همین وسایل در قرن بعد از بزرگترین ممیزات نقاشی مکتب هرات گردید. که مهمترین خصایص آن همان مناظر زیای گلها و گلزارها و مناظر بهاری و پس از آن رنگهای درخشان و زیبائی است که هیچگاه خروج از رنگی بدیگری وحدت و استقلال آنها را متزلزل نمیکند و از ممیزات دیگر این مکتب مناظر طبیعی و کوه و تپه هاییست که بشکل اسفنج کشیده شده و علاوه برین نقاشان این دوره توانسته اند میان اشخاص و ساختمانها یا سایر مناظری را که می کشد نسبت های مقبول و معقولی را قابل شوند، و تطور فنی مکتب هرات خیلی واضح تر و آشکار تر است. و از آثار مهم این دوره مجموعه اشعاریست بقلم مرتضی حسینی (قسمت اسلامی موزه دولتی المان در برلین) که در سنه ۸۲۳ هـ ۱۴۲۰ م برای کتابخانه^۱ باستانی شاهزاده تیموری نوشته شده است. و امتیاز این نسخه در این است که نقاش توانسته است، صورت اشخاص را آنقدر که ممکن بود کم کند و در رنگ آمیزی و کشیدن کوه و تپه مهارت نشان دهد. نقاشان این دوره از سبکهای فنون چینی اقتباس کرده و هضم کرده اند و یک سبک مستقل و قوی را که نماینده روح فنی عصر بود بوجود آورده‌اند. (۱۲)

مینیاتور های کتب عصر تیموری از حیث سبک بیکدیگر شباخت دارند و به شیوه مینیاتور سازی که چندی بعد در هرات ظاهر شد، خیلی شباخت دارند.

خصایص این قسم مینیاتور عبارتست از کوه هایی در فواصل معین با سبزه پوشیده، افق بلند و رنگهای جدید به الوان گوناگون.

در تحت نظر این هنرمندان هرات و بدست آنان عصر طلایی مینیاتور سازی ظاهر گردیده نقاشی ها و تصاویریکه این صنعتگران کشیده اند به مقیاس کوچک است، و در ساختن آن دقت زیاد کرده اند، و مخصوصاً به ریزه کاری خیلی اهمیت داده اند. این مینیاتور ها تأثیر آرایشی فراوان دارند و رنگهای جدیدی که در آن استعمال شده، لطیف و خوش منظر است، درین مینیاتور ها فاصله هایی بین تصاویر، بطرز تازه بی نشان داده می شود. چونکه تصاویر در چند سطح کشیده شده اند، تا اینکه دوری و نزدیکی نسبت بیکدیگر را بنمایند، طبقات نازک صخره و کوه هایی که باقی منتهی میشود، بانواع رنگهای قشنگ ساخته شده. درختان گل و گیاه و جزئیات آن با دقت کشیده و نمایش داده شده است. آسمان بالای افق اغلب طلائی رنگست. و برای نشان دادن ابرپیچ نازکی بسبک چین کشیده شده آسمان شب را با رنگ سرمه ئی و ماه و ستارگان را با رنگ طلائی جلوه داده اند. و چنانچه گفتیم نقاشان به مصور ساختن و مینیاتور کاری شاهنامه فردوسی ادامه میدادند، ولی درین زمان آثار شعرای بزمی، وسیله و صحنه جدیدی برای ابراز این صنعت بوده، کتب سعدی و نظامی را استنساخ کرده و با مینیاتور های عالی آرایش کرده اند. و این آثار مانند عکاسی نیست، بلکه بیشتر جنبه آرایش و زینت دارد، و هیچگاه سعی نشده است

ن ۸ هـ (۱۴) کشیده شده میتوان مهمترین وسائل دید، و همین وسائل در قرن بعد از بزرگترین هرات گردید. که مهمترین خصایص آن همان راه و مناظر بهاری و پس از آن رنگهای درخشان قاه خروج از رنگی بدیگری وحدت و استقلال از ممیزات دیگر این مکتب مناظر طبیعی و کوه و فنج کشیده شده و علاوه برین نقاشان این دوره و ساختمنها یا سایر مناظری را که می کشد لی را قابل شوند، و تطور فنی مکتب هرات خیلی است. و از آثار مهم این دوره مجموعه اشعاریست ملت اسلامی موزه دولتی المان در برلین) که در کتابخانه باستانی شاهزاده تیموری نوشته شده در این است که نقاش توانسته است، صورت مکن بود کم کند و در رنگ آمیزی و کشیدن دهد. نقاشان این دوره از سبکهای فنون چینی اند و یک سبک مستقل و قوی را که نماینده آورند. (۱۲)

ر تیموری از حیث سبک بیکدیگر شباخت دارند که چندی بعد در هرات ظاهر شد، خیلی

منظره بی را نشان بدھند که بعینها همان باشد، که بچشم یا دور بین عکاسی می‌آید. و قوهء مخیله و تصور در آرایش آن میدان وسیعی دارد. (۱۳)

تکنیک دقیق و طرز نشان دادن منظره و کوچکی اشکال از خصایص مکتب هرات در نیمهء اول قرن (۱۵) م است. (۱۴)

از قدیمترین کتب خطی منسوب بمکتب هرات کتاب کلیله و دمنه (کاخ گلستان تهران) است، که در اتقان تصویر طبیعت و آثار آن و هضم و تحلیل عناصر چینی ممتاز است. و نسخهء خطی گلستان سعدی ۸۲۹ ه (۱۴۲۶ م) که برای بایستق نوشته شده و دارای ۸ تصویر بدیع و زیباست، تمام ممیزات و محسنات فنی مکتب هرات را دارد. (۱۵)

در موزهء هنر های زیبای پاریس تابلوی ملاقات همای و همایون در باغ های کاخ شاهی چین از شهکار های نقاشی مکتب هرات است، که سراسر آن ابداع مقرن بزیبایی و وفق دادن بین اجزاء و قدرت کامل بر تعییر عواطف و افکار بوده و جنبهء اشرافی و بزرگی اشخاص بخوبی دران آشکارست، رنگ آمیزی عجیب و گلهای زیبائی که دران کشیده شده جذبهء خاص بدان میدهد.

علاوه برین تابلو، صورت مستقل دیگری نیز روی پارچهء ابریشمی طبق روش چینی در مکتب هرات کشیده شده و تصور میرود که از آثار همان غیاث الدین نقاش باشد، که در سالهای ۸۲۷-۸۲۳ ه جزء هیئت اعزامی شاهرخ به چین بود. این آثار نفیس در موزهء های نیویارک و بوستن و

مجموعهء کونتس دوبهاک موجودند که اجتماع سبکهای چینی و هراتی را در کمال مهارت و خوبی نمایندگی می‌کنند.

اما مکتب فنی هرات از نیمهٔ قرن نهم هجری (۱۵) م در پیوند صور و اشکال و رنگ آمیزی آنها یک شخص قوی و مستقلی را تشکیل داد، که نسخهء انجمان آسیایی لندن، نوشته شده برای محمد جوکی بن شاهرخ در حدود ۸۴۰ هـ نمایندهٔ آنست، و همچنین دیوان اشعار سلطان حسین میرزا (متوفی ۸۹۰ م) در مناظر طبیعی و تصاویر اینه و سیما و چهرهء مغولی اشخاص و تناسب رنگها از پیشرفت فنی هنرمندان مکتب هرات حکایه می‌کند. (۱۶)

مأخذ:

- (۱) دیوان سنتی ص ۱۴۱ بحواله مضمون نویسنده، این سطور در مجلهء آریانا حوت ۱۳۴۰.
- (۲) دیوان ناصر خسرو، ص ۲۰۰.
- (۳) صنایع ایران بعد از اسلام ص ۸۸
- (۴) تاریخ یهقی ۱۳۰.
- (۵) صنایع ایران ص ۸۸
- (۶) همین کتاب ص ۹۵.
- (۷) صنایع ایران ص ۹۶.
- (۸) صنایع ایران ص ۹۹.
- (۹) راهنمای صنایع اسلامی ۵۴.
- (۱۰) همین کتاب ۵۴.
- (۱۱) صنایع ایران بعد از اسلام ۱۰۴.
- (۱۲) صنایع ایران ۱۰۲.
- (۱۳) صنایع ایران ۱۷۰.
- (۱۴) راهنمای صنایع اسلامی ۵۶.
- (۱۵) صنایع ایران ۱۰۵.
- (۱۶) صنایع ایران بعد از اسلام ۱۰۸.

که بعینها همان باشد، که بچشم یا دور بین عکاسی سور در آرایش آن میدان وسیعی دارد. (۱۳)

نشان دادن منظره و کوچکی اشکال از خصایص یل قرن (۱۵) م است. (۱۴)

عطی منسوب به مکتب هرات کتاب کلیله و دمنه است، که در اتقان تصویر طبیعت و آثار آن و هضم متاز است. و نسخهء خطی گلستان سعدی ۸۳۹ هـ تقر نوشته شده و دارای ۸ تصویر بدیع و زیباست، فنی مکتب هرات را دارد. (۱۵)

با پاریس تابلوی ملاقات همای و همایون در با غ شهرکارهای نقاشی مکتب هرات است، که سراسر و وفق دادن بین اجزاء و قدرت کامل بر تعییر و جنبهء اشرافی و بزرگی اشخاص بخوبی دران ی عجیب و گلهای زیبائی که دران کشیده شده لد.

رت مستقل دیگری نیز روی پارچهء ابریشمی طبق هرات کشیده شده و تصور می‌رود که از آثار همان، که در سالهای ۸۲۷-۸۲۳ هـ جزء هیئت اعزامی آثار نفیس در موزه های نیویارک و بوستن و

بهزاد و مکتب او

بزرگترین نقاشان دوره اسلامی، کمال الدین بهزاد در سنه ۸۵۴ هـ ۱۴۵۰ م در شهر هرات بدینا آمد (متوفی ۹۴۴ هـ ۱۵۳۷ م؟) وی شاگرد سیداحمد نقاش است که در دربار سلطان حسین میرزا تا ۹۱۶ هـ میزیست و بعد ازان بدربار صفویان پارس رفت و در سنه ۹۲۸ هـ ۱۵۲۲ م بمحجوب فرمان شاه اسماعیل صفوی مدیر کتابخانه سلطنتی و انجمن فنون کتاب نویسی و ریاست تمام هنرمندان نایل آمد. (۱)

بابر بهزاد را بزرگترین تمام نقاشان گفته و مؤرخین دیگر نوشته اند که استادی و مهارتمند نام سایر نقاشان را محو کرده و یک مو از قلم او به جملات زندگانی بخشیده. وی اولین نقاش دوره اسلامی است که ملزم با مضای آثار فنی خود شده و بر اثر علوم مقام و منزلتی که داشته توانست که بر تمام خطاطان و نقاشان پیشی گیرد. وی در رنگ آمیزی و مزج

رنگها و دانستن خواص و ترکیب آن و در تعبیر حالات مختلفه نفسانی مهارت داشت و مخصوصاً در کشیدن اشکال اینه و مناظر طبیعی بحد اعجاز رسیده است. در تصاویر وی آرامش و خوش سلیقگی و ابداع و مهارت موجود است و در ترکیب و تزئین آن و انسجام رنگها کمال نقاشی مکتب تیموری را بروز داده است و مدقتین رأی دارند که در تصاویر بهزاد مقدار زیادی از عنصر حب الهی و مقام روحانیت و قدوسیت دیده می شود. و شاید این جنبه در اسلوب نقاشی بهزاد برای این باشد که مشرب تصوف مقارن تولد بهزاد و دورهء کودکی او ^{۱۰}* اوج عظمت خود رسیده بود. (۲)

مینیاتور های زیادی موجود است که به بهزاد نسبت داده شده ولی تقریباً همهء آنها مورد تردید بعضی از اهل بصیرت است. نقاشان عصر تیموریان قبل از بهزاد کار هایی انجام داده اند که اگر کاملاً پای کار های بهزاد نرسند، تزدیک به آن میباشد یکی از نقاشان عصر بهزاد و همکار او قاسم علی بود، گرچه شهرت بهزاد را نداشت، اما کار هایش پایهء کار های وی میرسد. دو نفر از شاگردان بهزاد شیخ زاده خراسانی و آقا میرک تبریزی تقریباً بهمان درجهء استادی بهزاد رسیده اند. میتوان تصور کرد که بسیاری از نقاشی ها را خود استاد طرح ریزی کرده و شاگردانش آنها را تمام و تکمیل ^{۱۱} کرده اند.

مینیاتور دولابی ازان دوره، که اکنون بدولت ایران تعلق دارد دارای منظرهء باغ و تصاویر متعدد است در گوشء راست در سمت پایین تصویر

بهزاد و مکتب او

دورهء اسلامی، کمال الدین بهزاد در سنه ۸۵۴ هـ ت بدینا آمد (متوفی ۹۴۴ هـ ۱۵۳۷ م^{۱۲}) وی شاگرد که در دربار سلطان حسین میرزا تا ۹۱۶ هـ میزیست سویان پارس رفت و در سنه ^{۱۳} ۹۲۸ هـ ۱۵۲۲ م بموجب مفوی مدیر کتابخانه سلطنتی و انجمن فتون کتاب هنرمندان نایبل آمد. (۱)

ین تمام نقاشان گفته و مؤرخین دیگر نوشه اند که م سایر نقاشان را محو کرده و یک مو از قلم او به تیشه. وی اولین نقاش دورهء اسلامی است که ملزم د شده و بر اثر علوم مقام و منزلتی که داشته توانست نقاشان پیشی گیرد. وی در رنگ آمیزی و مزج

دو نفر زن است که کتابی کوچک در دست دارند، و روی آن کتاب بخط بسیار ریز نوشته شده ((تصویر سلطان حسین میرزا، عمل بهزاد)) مینیاتور ناتمام دیگری که تقریباً مثناًی کامل منظمه قسمت چپ آن مینیاتور دولابی میباشد، در یک مجموعه شخصی است.

در مجموعه نفیس کورکیان در نیویارک صفحاتی هست که در یکی ازان تصویر مدوریست که پیر زن و جوانی را در دامنه کوهی در کنار رودی نشان میدهد و امضای بهزاد را دارا می باشد.(۳)

هکذا تصویر شاه طهماسب صفوی بالای درخت دارای امضای (پیر غلام بهزاد) که در موزه لور است، ازوست (۴)

کتاب هفت پیکر نظامی موزه متروپولیتن نیویارک که محتوی صور و اشکال بسیار بدیع و زیبا و مناظر ممتاز شکار و منسوب به بهزاد است. با دو تصویر نسخه خطی خمسه نظامی تحریر ۹۰۰ ه منسوب به روح الله میر ک نقاش استاد بهزاد از آثار برجسته مکتب هرات اند. (۵)

خصایص مهم سبک بهزاد:

کسانیکه در شناسایی آثار هنری ذوق و بهره بی دارند سبک هنر بهزاد را چنین ستوده اند، که وی اعجوبه روزگار و استاد عصر بود نه برای اینکه سبک جدیدی را در مینیاتور ایجاد نمود، بلکه بواسطه اینکه او صنعت را در کلیه جزئیات بمتهی درجه کامل کرد. و در آثار هنری او خصایص ذیل نمایانست:

- درستی و دقت کامل در خطوط تصاویر.
- نمایاندن وضع چهره و قیافه اشخاص بطور شگفت انگیز بوسیله ترکیب انواع رنگها.
- حرکت و مفهوم بودن اشارات تصویر.
- ظرفات در کشیدن درختها، گلها و دورنماها و نیز در نمایش اشعه خورشید و ابر.
- شماره رنگهای گوناگون و توافق آنها با یکدیگر، بررنگهای (سرد) مانند سرمه بی، سبز، فیروزه بی، زیتونی، زرد و قهوه بی بیشتر توجه شده، طلا و نقره نیز بکار رفته و اقسام مختلف قرمز استعمال شده.^(۶)
- مثلاً تصاویر خمسه نظامی رنگ، آمیزی سرد دارد، و آبی و خاکستری و سبز بیشتر بکار رفته است. یک مینیاتور بسیار زیبا و جالب توجهی که با همین صفات جنگ شتران را نشان میدهد و در تصرف دولت ایران است، میگویند بهزاد بعمر هفتاد سالگی آنرا ساخته است. همچنین مینیاتور های بوستان کتابخانه مصر، هنر بهزاد را در اوج کمال نشان میدهد. این تصاویر از لحاظ ترکیب و حقیقت بینی از شاهکار های هنر نقاشی محسوب می شوند و تصاویر اشخاص، حرکت و شخصیت خاص افراد را ظاهر میسازند.

نسخه خمسه نظامی مؤرخ (۱۴۴۲ هـ ۸۴۶ م) در موزه برتانیاست

کتابی کوچک در دست دارند، و روی آن کتاب ته شده ((تصویر سلطان حسین میرزا، عمل بهزاد)) بی که تقریباً مثای کامل منظره قسمت چپ آن مدد، در یک مجموعه شخصی است.

کورکیان در نیوبiar ک صفحاتی هست که در یکی است که پیر زن و جوانی را در دامنه کوهی در کنار امضای بهزاد را دارا می باشد.^(۳)

اه طهماسب صفوی بالای درخت دارای امضای در موزه لور است، ازوست^(۴)

نظامی موزه متروپولیتن نیوبiar ک که محتوی صور و زیبا و مناظر ممتاز شکار و منسوب به بهزاد است. باطنی خمسه نظامی تحریر ۹۰۰ هـ منسوب به روح الله بهزاد از آثار برجسته مکتب هرات اند.^(۵)

سبک بهزاد:

این آثار هنری ذوق و بهره بی دارند سبک هنر بهزاد که وی اعجوبة روزگار و استاد عصر بود نه برای اینکه ر مینیاتور ایجاد نمود، بلکه بواسطه اینکه او صنعت را منتهی درجه کامل کرد. و در آثار هنری او خصایص

و سه مینیاتور آن بعد از اتمام کتاب یعنی در سال (۸۹۸ هـ / ۱۴۹۳ م) کشیده شده که امضای بهزاد را دارد.

اما بوستان کتابخانه مصر دارای شش تصویر مؤرخ (۸۹۳ هـ / ۱۴۸۸ م) است که چهار از آن امضای بهزاد را دارد (۷)

این نسخه را سلطان علی خطاط در سال ۸۹۳ هـ برای سلطان حسین باقرا در شهر هرات نوشت و بهزاد متعهد نقاشی آن بود، که در تصاویر آن استادی کاملی را در ترکیب رنگها و حفظ نسبت تقسیم اشخاص در صورت و دقت در کشیدن اشکال نباتی و مهندسی بسیار دقیق بخراج داده است. در سه تصویر بخط بسیار باریک در جایی که دیدن آن خیلی مشکل است نام خود را نوشته، اما امضای چهارم در تصویریست که مباحثه و جدال عده بی از فقها را در مسجدی نمایش میدهد. درین مسجد طاق بسیار زیبایی هست که حاشیه آن دارای سیزده منطقه است و در منطقه اخیر نام بهزاد و تاریخ ۸۹۴ هـ دیده می شود و ثابت می آید که کشیدن این تصویر کاملاً یکسال بعد از نوشته^۸ کتاب بوده است.

این تصویر تفوق و استادی بهزاد را در کشیدن صورت اسپ و نمایش دادن زندگانی روستایی و مناظر طبیعی نشان میدهد و در اول کتاب تصویر سلطان حسین میرزا را در مجلس جشن و مهمانی کشیده است. (۸) همچنین شش مینیاتور در صفحه بی ظفر نامه^۹ تیموری در بالتیمور موجود است که در حاشیه آن تصاویر شاه جهانگیر آنرا کار بهزاد نوشته

است. این کتب توسط خطاط مشهور شیر علی در سال (۸۷۲ هـ / ۱۴۶۷ م) برای سلطان حسین میرزا نوشته شده و سبک نقاشی بهزاد در آن بنظر می‌آید. هکذا در موزهٔ متروپولیتن یک صفحهٔ نقاشی از دیوان جامی موجود است که درویشان را در حال رقص نشان میدهد. این نقاشی را میتوان به بهزاد نسبت داد زیرا این پردهٔ شایستهٔ فلم بهزاد است و همهٔ خصایص کارهای این استاد را دارد اگرچه عده‌ء زیاد هنرمندان هرات در عصر صفوی بدربار تبریز منتقل شدند، ولی بعضی از آنها در هرات مانده، آن سبک مخصوص را ادامه دادند، بسیاری از مینیاتورهای عالی هرات پس از رفتن بهزاد ساخته شده است.

این هنرمندان به ریزه کاری که از خصایص سبک دورهٔ تیموریست اهمیت زیاد میدادند. چنین توجه به جزئیات اشیاء مانند قالی، اطاق، لباس و تزئینات معماری، نقاشی‌های هرات را بزرگترین مینیاتورها قرار میدهد و ثابت میکند که بهزاد تنها نقاش بزرگ هرات نبوده و رقبایی نیز داشته است.^(۹)

یکی از آثار مهم مکتب هرات کتاب کلیله و دمنه مربوط موزهٔ گلستان تهران است، که از حیث زیبایی تصاویر و مینیاتور بی نظیر است. و دیگر نسخهٔ معراج نامهٔ کتب خانهٔ ملی پاریس است، که بسال (۸۴۰ هـ / ۱۴۳۶ م) در هرات نوشته شده و نظیر آن دو تصویر مهم موزهٔ متروپولیتن است، که متعلق بیک نسخهٔ شاهنامهٔ مکتب هرات بود و از آن جمله تصویریست که رسم را در حال گرفتن اسپ معروف خود رخش نشان

بعد از اتمام کتاب یعنی در سال (۸۹۸ هـ / ۱۴۹۳ م) بهزاد را دارد. مصر دارای شش تصویر مؤرخ (۸۹۳ هـ / ۱۴۸۸ م) مضای بهزاد را دارد^(۷) ن علی خطاط در سال ۸۹۳ هـ برای سلطان حسین نوشته و بهزاد متعهد نقاشی آن بود، که در تصاویر در ترکیب رنگها و حفظ نسبت تقسیم اشخاص در شیدن اشکال نباتی و مهندسی بسیار دقیق بخرج داده بخط بسیار باریک در جایی که دیدن آن خیلی را نوشته، اما امضای چهارم در تصویریست که از فقهرا در مسجدی نمایش میدهد. درین مسجد است که حاشیهٔ آن دارای سیزده منطقه است و در و تاریخ ۸۹۴ هـ دیده می‌شود و ثابت می‌آید که ملاً یکسال بعد از نوشتهٔ کتاب بوده است.

استادی بهزاد را در کشیدن صورت اسپ و نمایش بی و مناظر طبیعی نشان میدهد و در اول کتاب بیرزا را در مجلس جشن و مهمانی کشیده است.^(۸) تبور در صفحهٔ بی‌ظفر نامهٔ تیموری در بالتیمور باشیه، آن تصاویر شاه جهانگیر آنرا کار بهزاد نوشته

میدهد. لباس زیبا و رنگارنگ رستم و شخص همراه او بر زیبایی و ترکیب تصویر می افزاید. در حالیکه منظره طبیعی با درختان و دو قاز در حین پرواز سبک چینی را نمایندگی می کند. (۱۰)

قاسم علی هروی:

از نقاشان زبردست مکتب هرات در قرن نهم هجری (۱۵م) است که آثار فنی وی با استاد بهزاد شبیه است حتی که غالب مؤرخین فنون اسلامی آثارش را با کار بهزاد اشتباه کرده اند، نمونه های نقاشی قاسم علی در خمسه نظامی تحریر ۹۰۰ ه ۱۴۹۴ م موزه بритانیاست، که از ملاحظه آن تأثیر سبک بهزاد بکمال و تمام نمایان است. قاسم علی در موضوعاتی که میکشد و در اسلوب نقاشی وسایل تزئین تابلو های خود عموماً از بهزاد پیروی میکند. اما با وجود آنهم در بکار بردن رنگها و تمیز دادن سیما و چهره اشخاص و تعبیر از احساسات و عواطف پایه استاد خود نمیرسد. (۱۱)

در کتابخانه بودلی آکسفورد کتاب خطی تحریر شده در ۸۹۰ ه ۱۴۸۵ م منسوب به قاسم علی موجود است که بهترین و زیباترین آن تصویر جماعت صوفیه در باغچه سبز و خرمی می باشد. (۱۲) همچنین قاسم علی تصویر بهزاد را که در کتب خانه پوهنتون استانبول است کشیده است و از لباسهای بهزاد مفهوم می شود که این تصویر را بعد از انتقال او از هرات به تبریز کشیده باشد. (۱۳)

دبالةء مكتب بهزاد در فارس و هند و بخارا:

در اوایل سلطنت شاه طهماسب صفوی (۹۳۰ ه ۱۵۲۴ م) بهزاد زنده بود و آقا میرک از شاگردان بهزاد، از دوستان نزدیک شاه بود، یکی از شاگردان او که سلطان محمد نام داشت، بمقام نقاشی دربار رسید و پیشوای عده بی از نقاشان معروف بود. سلطان محمد بشاه جوان درس نقاشی میداد.

در سنه (۹۳۳ ه) یک نسخه شاهنامه برای شاه طهماسب تهیه گردید، که (۲۵۶) تصویر دارد، او اکنون در تصرف بارون ادوارد روتسلیلد Baron Edouard Rothschild در پاریس است، که نقاشی های آنرا از سلطان محمد میدانند.

کار های این استاد از حیث نوع، رنگ آمیزی، نقشه ترکیب و نیز برای توجه مخصوص به ریزه کاری مشهور است، یکی از معروفترین مجموعه نقاشی این مكتب نسخه مصور خمسه نظامی موزه بریتانیاست. که تصاویر آن بوسیله نقاشان مشهور که نام اشخاص ذیل زیر مینیاتور های آن دیده می شود، ساخته شده: آقا میرک، سلطان محمد، میرزا علی، مولانا مظفر علی، میرسید علی.

علاوه بر تصاویر (۳۹۶) ورق این کتاب دارای حاشیه تزئین شده بسیار عالی از طلا می باشد، که نقش آن اشکال حیوانات و گل و غیره است. در میان این گروه شاگردان مكتب بهزاد، میر سید علی مقامی بلند دارد که در تجسم مناظر طبیعت و زندگی دهقانی ید طولی داشت. حیوانات را

خیلی شبیه کشیده، چادر را بطرز زیبایی تزئین کرده و دست هنرمند وی در اشکال گل و پرنده و اشیای دقیق دیگر مشهور است.

در اواخر سلطنت شاه طهماسب نقاشی بنام استاد محمدی شهرت یافت، که پسر و شاگرد سلطان محمد بود، وی سبک جدید و قشنگی را در نقاشی رنگی بوجود آورد، و نیز برای ظرافتی که در تصویر سازی انسان و حیوانات بکار برده مشهور است وی از نهال های برومند و آخرین مکتب بهزاد بود.

شعبه یی از مکتب هرات، در شیراز که مقبر سلطان ابراهیم بن شاهرخ بود رونق گرفت و مجموعه مصوری از بهترین اشعار فارسی در سال (۸۱۳ هـ ۱۴۱۰ م) نوشته شده که در موزه بریتانیا محفوظ است. مجموعه دیگر اشعار فارسی بتاریخ (۸۲۳ هـ ۱۴۲۰ م) نوشته شده در برلین هست و نسخه یی از شاهنامه از همین مکتب در بودلیان موجود است اما بقول پروفیسور کوهنل Kuhnel مینیاتور های این مکتب از لحاظ رنگ آمیزی سبکتر و کم رنگتر از مینیاتور های مکتب هرات است. (۱۴)

نفوذ بهزاد هم در هرات و هم در تبریز ادامه داشت، در هرات شاگردان بهزاد سبک استاد را تعقیب کردند، و خود بهزاد از سال (۹۱۶ هـ ۱۵۱۰ م) در تبریز بود و میتوان او را مؤسس مکتب نقاشی صفوی (در فارس) دانست. چندین نسخه خطی و مینیاتور مفرد از دوره شاه اسماعیل صفوی بmekتب هرات نسبت داده می شود از ان میانه سه مینیاتور در موزه متروپولیتن و دو در کتابخانه ملی پاریس موجود است که همه آنها از

نسخهٔ خمسهٔ امیر خسرو بلخی (شم دهلوی) است که در سنه ۹۰۹ هـ (۱۵۰۳ م) در بلخ نوشته شده و کار آن خصایص اسلوب بهزاد را در بردارد و اسلوب مکتب هرات در آغاز دورهٔ صفوی در دو مینیاتور و صفحه، اول کتاب گوی و چوگان عرفی که در سال (۹۲۹ هـ ۱۵۲۳ م) بوسیلهٔ خطاط مشهور علی حسینی در هرات نوشته شده بخوبی آشکار است، این کتاب در پاریس موجود است.

یکی از نسخ خطی دیوان حافظ در پاریس است که پنج مینیاتور دارد، و یکی از آن امضای شیخ زاده و دوی دیگر آن امضای سلطان محمد نور را دارد، که پسر و شاگرد سلطان علی مشهدی است و تاریخ آن رجب (۹۳۱ هـ ۱۵۲۵ م) است، این مکتب بهزاد را تعقیب میکرد.

اینک چند اثر دیگر مکتب بهزاد:

- ۱- دیوان میر علی شیرنوایی کتابخانهٔ پاریس تحریر (۹۳۲ هـ ۱۵۲۶ م) در هرات.
- ۲- خمسهٔ نظامی مؤرخ (۹۳۱ هـ ۱۵۲۵ م) موزهٔ متروپولیتن، که تصاویر این هر دو کتاب اثاب شباht سبک به شیخ زاده شاگرد بهزاد نسبت میدهند.
- ۳- دیوان مؤرخ ۹۳۲ م ۱۵۲۶ هـ کار سلطان محمد نور.
- ۴- خمسهٔ نظامی موزهٔ بریتانیا تحریر بین (۹۴۶ هـ ۹۵۰ هـ) برای شاه طهماسب.

را بطرز زیبایی تزئین کرده و دست هنرمند وی اشیای دقیق دیگر مشهور است.

طهماسب نقاشی بنام استاد محمدی شهرت یافت، محمد بود، وی سبک جدید و قشنگی را در آن، و نیز برای ظرافتی که در تصویر سازی انسان و بور است وی از نهال های برومند و آخرین

ات، در شیراز که مقبر سلطان ابراهیم بن شاهرخ و عههٔ مصوری از بهترین اشعار فارسی در سال ۸۲۳ (۱۴۲۰ هـ) نوشته شده در برلین هست و همین مکتب در بودلیان موجود است اما بقول Kullت از مینیاتور های این مکتب از لحاظ رنگ از مینیاتور های مکتب هرات است. (۱۴) ت و هم در تبریز ادامه داشت، در هرات شاگردان ب کردند، و خود بهزاد از سال (۹۱۶ هـ ۱۵۱۰ م) و را مؤسس مکتب نقاشی صفوی (در فارس) طی و مینیاتور مفرد از دورهٔ شاه اسماعیل صفوی ده می شود از آن میانه سه مینیاتور در موزهٔ خانهٔ ملی پاریس موجود است که همهٔ آنها از

۵- نسخهء مصور شاهنامه مؤرخ (۶۴۹ هـ ۱۵۳۷ م) در پاریس که این هر دو کتاب را کار سلطان محمد دانسته اند. و همین کتاب دارای دو مینیاتور با مضای دیگر شاگردان بهزاد است، میرک و مظفر علی و میر سید علی(۱۵). مکتب نقاشی هرات در عهد صفویان در پارس و بعد از همایون در هند ادامه پیدا کرد، و مطابق محیط های جدید خویش نشو و نما نمود، و کتابهای فاخر و نفیسی را نقاشی کردند، که از آنجمله رضا عباسی و آقارضا و شاگردان مکتب هنری ایشان مانند معین و یوسف و محمد قاسم (در پارس) و شاهقلی و ولیجان تبریزی در مملکت عثمانی سبک نقاشی تورکیه را بوجود آوردند.

مکتب نقاشی تورکیه هر چند منابع از مکاتب هنری اروپا نیز داشت، ولی هسته مرکزی آنرا همان ادامهء مکتب هرات تشکیل میداد و تصاویر کار شاهقلی و ولی جان شاگرد سیاوش اکنون در موزه های معروف اروپا و امریکا به نظر می آیند که اشکال حوریان بالدار بهشتی در آن خیلی جالب است، و کتاب سلیمان نامه در همین سبک توسط فردوسی نام اهل بروسه برای سلطان بازیزید دوم در حدود (۹۰۰ هـ) نوشته شد و نسخهء دیگر آن محررهء (۹۸۷ هـ) در مجموعهء چستر بیتی لندن است، و نیز از نسخهء بی نامی (۳۰) شکل در موزهء متروپولیتن باقی مانده است که سبک هنری نقاشی تورکیه را نمایندگی میکند.(۱۶)

کمال تبریزی شاگرد میرزا علی و شاه قلی از بقایای هنرمندان بهزاد نیز به ترکیه مسافت کرد و در دربار سلطان سلیمان قانونی مقام بزرگی یافت (۱۷).

مأخذ:

- (۱) نقاشی اسلامی از آنورلد.
- (۲) صنایع ایران بعد از اسلام. ۱۱۲.
- (۳) سروی هنر ایران ج ۵ تابلوی ۸۸۵
- (۴) مینیاتور ایران از ساکسیان، تابلوی ۷۵.
- (۵) صنایع ایران. ۱۰۸.
- (۶) تاریخ صنایع ایران. ۱۷۱.
- (۷) میراث ایران. ۲۴۷
- (۸) صنایع ایران. ۱۱۳.
- (۹) تاریخ صنایع ایران. ۱۹۴.
- (۱۰) رهنمای صنایع اسلامی ۵۶.
- (۱۱) صنایع ایران. ۱۱۵.
- (۱۲) التصویر الاسلامی تابلوی ۲۰.
- (۱۳) صنایع ایران. ۱۱۶.
- (۱۴) رهنمای صنایع. ۵۵.
- (۱۵) رهنمای صنایع. ۵۳.
- (۱۶) رهنمای صنایع. ۵۶.
- (۱۷) صنایع اسلامی. ۱۳۰.

» مؤرخ (۶۴۹ هـ ۱۵۳۷ م) در پاریس که این هر دو خمد داشته اند. وهمین کتاب دارای دو مینیاتور بزرگ است، میر ک و مظفر علی و میر سید علی (۱۵). ر عهد صفویان در پارس و بعد از همایون در هند محیط های جدید خویش نشو و نما نمود، و را نقاشی کردند، که از آنجمله رضا عباسی و ب هنری ایشان مانند معین و یوسف و محمد قاسم ولیجان تبریزی در مملکت عثمانی سبک نقاشی

هر چند منابع از مکاتب هنری اروپا نیز داشت، عمان ادامه مکتب هرات تشکیل میداد و تصاویر شاگرد سیاوش اکنون در موزه های معروف اروپا ند که اشکال حوریان بالدار بهشتی در آن خیلی سیمان نامه در همین سبک توسط فردوسی نام اهل ید دوم در حدود (۹۰۰ هـ) نوشته شد و نسخه ه) در مجموعه چستر بیتی لندن است، و نیز از شکل در موزه متروپولیتن باقی مانده است که کیه را نمایندگی میکند. (۱۶)

میرزا علی و شاه قلی از بقایای هنرمندان بهزاد نیز به دربار سلطان سلیمان قانونی مقام بزرگی یافت (۱۷).

اثر مکتب هنری هرات بر فارس

هرات بمترلهء مرکز تشعشع هنری آسیا مدتها باقی ماند و انوار هنر آن بر شرق و غرب و شمال تایید. دربار پارس و شاهان صفوی نیز مرجع هنره وران گردید، و سبکی که ادامهء مکتب هرات بود، در خطاطی و نقاشی و مذهبی و مصوری بنام "مکتب صفوی" در پارس پرورده شد. از هنروران معروف و بقایای مکتب هرات در پارس سلطان محمد نور پسر و شاگرد سلطان علی مشهدی و شاه محمود نیشابوری و میر علی (حدود ۱۰۰۸ هـ) و علی رضای عباسی و محمود مذهب و مولانا یاری و میرک مذهب و پرسش قوام الدین مسعود و مولانا حسن بغدادی و مولانا عبدالله شیرازی شیخ زاده و خواجه عبدالعزیز و مظہر علی و میرسید علی و محمدی و سید میر نقاش و شاه محمد دوست محمد میباشد که در تحریر و تذهیب شهرتی داشته اند. (۱) و از آثار ایشان تذهیب خمسه نظامی ۹۴۹ هـ (موزهء بریتانیا) و سرلوحهء بوستان سعدی مؤرخ ۸۹۳ هـ ۱۴۸۸ م تذهیب

یاری (دارالکتب «مصریه») است که دران تصاویر مرغابی در حالت پرواز دیده می شود، ولی در روش مکتب صفوی همان صفا و لطافت رنگهای مکتب هرات موجود نیست و دقت در ترسیم و تزئین نیز از میان رفته است. (۲)

چون بعد از ضعف تیموریان هرات، استاد بهزاد به تبریز رفت، مکتب هنری پارس نیز بر پایه^۱ کار این هنرمند و شاگردانش استوار شد و سلطان محمد نور با این استاد و همراهانش دوست و معاشر بود ولی اسلوب فنی بهزاد در هرات و تبریز تفاوت بارزی نداشت و فرق میان آثار فنی او در هرات و تبریز خیلی ساده و مختصر است. اما شاگردان او که از هرات به پارس رفته اند، محیط جدید در سبک و اسلوب ایشان تأثیر نمایانی داشته است. شیخ زاده خراسانی شاگرد بهزاد با وی از هرات به تبریز رفت، یک اثر نقاشی در نسخه خطی دیوان حافظ در مجموعه^۲ نفیس کاتیه محفوظ و مجلس وعظی است که در سیمای اشخاص تأثیر نطق واعظ کاملاً نمایان است و نقاش توائمه است با کمال مهارت تأثیرات نفسی آنها را ظاهر و مجسم سازد و این نقاش کاملاً از اسلوب بهزاد و شاگردانش بهره مند بوده است. (۳)

دکتر کوهنل عقیده دارد، که ده تصویر از چهارده تصویر که در نسخه خطی بسیار زیبائی از خمسه نظامی که در سال ۹۳۱ هـ ۱۵۲۵ م بخط خوش نویس بزرگ سلطان محمد نور نوشته شده و فعلًا در نیویارک در موزه متروپولیتن هست بقلم شیخ زاده کشیده شده است.

مکتب هنری هرات بر فارس

تشعشع هنری آسیا مدت‌ها باقی ماند و انوار هنر آن تایید. دربار پارس و شاهان صفوی نیز مرجع هنر که ادامه مکتب هرات بود، در خطاطی و نقاشی و «مکتب صفوی» در پارس پروردۀ شد. از هنروران هرات در پارس سلطان محمد نور پسر و شاگرد شاه محمود نیشابوری و میر علی (حدود ۱۰۰۸ هـ) محمود مذهب و مولانا یاری و میرک مذهب و مولانا حسن بغدادی و مولانا عبدالله شیرازی العزیز و مظہر علی و میر سید علی و محمدی و محمد و دوست محمد میباشد که در تحریر و تذهیب و از آثار ایشان تذهیب خمسه نظامی ۹۴۹ هـ حمۀ بوستان سعدی مؤرخ ۸۹۳ هـ ۱۴۸۸ م تذهیب

ديگر از شاگردان بهزاد خواجه عبدالعزيز است و از جمله آثار فني وی تصویر يکي از شهزاده گان صفوی در مرفعات کتابخانه توپ قابوس را استانبول است، که خواجه عبدالعزيز دران خود را از شاگردان بهزاد شمرده است، آقا ميرك نيز از نقاشان بزرگ و شاگردان بهزاد است که پنج تصویر او در نسخه خطی خمسه نظامي محرره سال ۹۴۶ و ۹۴۹ هـ در موزه بريتانيا هست، از تمام رسوم و آثار و ابنيه و گلها و شاخه ها و درختها که درين تصاوير موجود است بر می آيد که ميرك از روش و اسلوب استاد خود بهزاد اقتباس کرده، و حتی دربخی موارد بر استاد خود برتری داشته است.

گويند که سلطان محمد بعد از بهزاد رياست مكتب صفوی را داشت، و تصاوير وی در كتاب خمسه نظامي سابق الذكر دیده می شوند، اسلوب اين شخص واضح می سازد که ميرك و سلطان محمد هر دو در مكتب بهزاد اين فن را فرا گرفتند و بعد از سلطان محمد شاگردانش شاه محمد و مير نقاش کار های مكتب بهزاد را در پارس ادامه دادند و مظفر علی و ميرزا علی و مير سيد علی هم از شاگردان مكتب بهزاد اند، که سنن فني او را زنده نگهداشت و امروز بسا از کار های ايشان در موزیم های دنيا محفوظ اند. محمدي فرزند سلطان محمد نيز از برازندها اين مكتب است، که آثار جاویدانش تا کنون دیده می شود.

و بعد از ايشان آقا رضا و رضا عباسی و معین و حيدر و محمد قاسم و محمد یوسف و محمد علی و مير افضل و حبيب الله و ملك حسين

و شاه قاسم و غیره از مشاهیر مکتب هنری پارس اند، که از ستارگان آسمان بهزاد شمرده می شوند. (۴)

مأخذ:

- (۱) راهنمای صنایع ص ۸۰ و صنایع ایران ص ۷۷.
- (۲) صنایع ایران ص ۷۷.
- (۳) تابلوی ۳۶ التصویر فی الاسلام بحواله ص ۱۲۱ صنایع ایران.
- (۴) صنایع ایران بعد از اسلام .۱۲۰

مکتب هنری هند

در نقاشی های هند بعد از فتح بابر (۹۳۲ هـ) نفوذ بهزاد و مکتب بخارا بنظر می آید، چون همایون پسر بابر از پارس برگشت، وی دو نفر نقاشان پارس خواجه عبدالصمد شیرازی و میر سید علی را که در تبریز به ایشان آشنا شده بود، در سنه (۹۵۶ هـ ۱۵۴۹ م) بکابل خواست، تا داستان امیر حمزه را مصور سازند و این دو نفر استاد که از بقایای مکتب بهزاد بودند، مکتب نقاشی مغولی هند را شالوده گذاشتند، و کتاب امیر حمزه اصلًا (۱۴۰۰) قطعه نقاشی داشت که از انجمله برخی در موزه های اروپا و امریکا دیده می شود.

اکبر که حامی هنر بود بوسیله^۱ این دو هنرمند مکتب نقاشی را در آگرہ کشود که تا صد نفر نقاش هندی در آن هنر می آموختند، بقول ابو الفضل نسخ زیاد استادان نامی مانند بهزاد و میر ک و سلطان محمد در کتابخانه سلطنتی هند فراهم آمده بود، کتاب هفت پیکر نظامی بتاریخ (۹۸۸ هـ

۱۵۸۰م) برای اکبر درین هنر کده به پیروی کارهای بهزاد نوشته شد و نسخه، اکبر نامه چستریتی لندن که تصاویر آن بقلم هنرمندان هندی مانند دهرم داس، سنواله، شینکر، لعل، سوردادس و نرسنگه و فرخ بیگ و موکند و گوردهن تهیه شده، و آمیزش سبک بهزاد را با مکتب هنری کشمیر و گجرات و پنجاب نمایش میدهد، از شاگردان این مکتب بساون و داسونته و منو هر نیز شهرت دارند، و کار ترجمه فارسی مهابهارت از همین مکتب است.

در عصر بعد از اکبر منصور و مراد و منوه و ابوالحسن پسر آقا رضا ملقب به نادر الزمان (نقاشان دربار جهانگیر) و فاخر الله و میر هاشم و هون هد و بیچتر و انوب چهاتر (نقاشان عصر شاه جهان) از بقایای این مکتب اند. (۱)

مکتب هنری بخارا:

در اوخر دوره اوج هنری مکتب هرات، هنگامیکه مکتب صفوی و هندی ازین منع فیاض منشعب میشد، در بخارا نیز سبک مهم نقاشی از همین سرچشمه بوجود آمده بود.

در حدود (۹۴۲ هـ ۱۵۳۵ م) نقاشان و خوشنویسان زیاد مکتب هرات در اثر انقلاب روزگار و سلطه صفویان به بخارا و ماوراء النهر گریختند و در آنجا باسلوب مکتب هرات و مخصوصاً بسبک بهزاد کار خود را ادامه دادند، از آنجمله میر علی هراتی شاگرد زین الدین محمود از خطاطان مشهور هرات در سنه ۹۴۱ هـ ۱۵۳۴ م بدربار بخارا رفت و راه و رسم خوش نویسی مکتب هرات را در آنجا ادامه داد، وی نسخه، یوسف و

مکتب هنری هند

بعد از فتح بابر (۹۳۲ هـ) نفوذ بهزاد و مکتب بخارا مایویون پسر بابر از پارس برگشت، وی دو نفر نقاشان مد شیرازی و میر سید علی را که در تبریز به ایشان نه (۹۵۶ هـ ۱۵۴۹ م) بکابل خواست، تا داستان امیر و این دو نفر استاد که از بقایای مکتب بهزاد بودند، هند را شالوده گذاشتند، و کتاب امیر حمزه اصلأ شت که از آنجمله برخی در موزه های اروپا و امریکا

بود بوسیله این دو هنرمند مکتب نقاشی را در آگره نقاش هندی دران هنر می آموختند، بقول ابو الفضل مانند بهزاد و میرک و سلطان محمد در کتابخانه آمده بود، کتاب هفت پیکر نظامی بتاریخ (۹۸۸ هـ

زلیخای جامی را بتاریخ ۹۳۰ هـ ۱۵۲۳ م در هرات نوشت که در بخارا مصور و مذهب شد.(۲)

از هنرمندان مشهور مکتب بخارا محمود مذهب شاگرد میر علی خطاط معروف و پیرو اسلوب بهزاد است، وی در الفت دادن بین اشکال و پوشاندن زمینه تصاویر به اینه و کشیدن اشکال اشخاص و تقسیم آنها از روش بهزاد پیروی کرده و بعد از رفتن بهزاد به تبریز وی به بخارا رفته است.

از مشهور ترین آثار هنری محمود مذهب تصاویریست در نسخه خطی تحفة الاحرار جامی که در بخارا نوشته شده، و نسخه دیگر همین کتاب که تصاویر آن بامضای محمود مذهب است در مجموعه هومبرگ کتابخانه ملی پاریس دیده می شود.

در یک مجموعه نقاشی کتابخانه حضرت رضا در مشهد مناظر بزمهای عشقی کار همین محمود مذهب و شاگردش عبدالله موجود است که کاملاً سبک نقاشی بخارا دارد.

دیگر نمونه کار محمود در مینیاتور دو صفحه یی مؤرخ ۹۰۳ هـ ۱۵۴۶ م) مخزن الاسرار نظامی کتابخانه ملی پاریس بامضای اوست. که اصل کتاب در سنه ۴۹۹ هـ ۱۵۳۷ م) در بخارا بدست میر علی نوشته شده است و امتیاز این تصویر در تناسب آن و تباین رنگهایش می باشد.(۳)
دیگر نمونه مکتب بخارا یوسف و زلیخای جامی است که میر علی حسینی در سال ۹۳۰ هـ ۱۵۲۳ م) نوشته، ولی مینیاتور های آن در حدود ۹۴۷ هـ) ساخته شده، و نفوذ شدید مکتب بهزاد و هرات را میرسانند، هکذا یک بوستان سعدی و دیگر فتوح الحرمین محیی لاری نیز دارای تصاویر بهمین سبک اند.(۴)

دیگر از ناموران هنرمندان مکتب بخارا شیخ زاده شاگرد بهزاد بود و مینیاتورهای وی در بخارا بسبک کارهای آن استاد بزرگ است و بسبب رنگهای روشن قرمز خیلی مشهور اند.^(۵)

عبدالله مذهب نیز از مکتب هرات و به بخارا هجرت کرد، که تصاویرش خیلی کم و نادر بدست می آید، و شاید مشهور ترین آنها تصویر جوانی باشد که در زیر درخت پر گلی مشغول ساز نواختن است، این پرده اکنون در موزه فنون نفیسه لیزیک میباشد.^(۶)

از ممیزات مکتب بخارا یکی اینست که پوشانک سر اشخاص عبارت از کلاه ترک دار بلندیست که قسمت پائین آنرا عمامه بی پوشانیده است و دیگر صور اشخاص را بطور انفرادی و مستقل کشیده و هواخواهان نقاشی ازین تصاویر مرقعهای جداگانه را تشکیل میدادند. تزیین حواشی نسخه های خطی بانواع نقش و نگارهای دو رنگ طلایی و نقره بی بر روی یک زمینه رنگ آمیز نیز از ممیزات این مکتب است.^(۷)

ماخذ:

- (۱) راهنمای صنایع اسلامی ص ۶۹ بعد و تاریخ صنایع ایران ص ۱۹۶ و صنایع ایران بعد از اسلام ص ۱۲۹.
- (۲) راهنمای صنایع ص ۸۰
- (۳) صنایع ایران ۱۱۸.
- (۴) راهنمای صنایع اسلامی ۶۵
- (۵) تاریخ صنایع اسلامی ۱۹۷
- (۶) صنایع ایران بعد از اسلام ۱۹۸
- (۷) صنایع ایران بعد از اسلام ۱۱۸

خ ۹۳۰ هـ ۱۵۲۳ م در هرات نوشت که در بخارا

مکتب بخارا محمود مذهب شاگرد میر علی خطاط ب بهزاد است، وی در الفت دادن بین اشکال و یه ابینه و کشیدن اشکال اشخاص و تقسیم آنها از روشن از رفن بهزاد به تبریز وی به بخارا رفته است.

هنری محمود مذهب تصاویریست در نسخه خطی در بخارا نوشته شده، و نسخه دیگر همین کتابی محمود مذهب است در مجموعه هومبرگ یده می شود.

نقاشی کتابخانه حضرت رضا در مشهد مناظرین محمود مذهب و شاگردش عبدالله موجود است بخارا دارد.

حمدود در مینیاتور دو صفحه بی مؤرخ ۹۰۳ هـ نظامی کتابخانه ملی پاریس بامضای اوست. که ۴۰ هـ ۱۵۳۷ م در بخارا بدست میر علی نوشته شده در تناسب آن و تباین رنگهایش می باشد.^(۳) بخارا یوسف و زلیخای جامی است که میر علی ۱۵۲۳ م نوشته، ولی مینیاتورهای آن در حدود ۱۵۲۳ م) فوژ شدید مکتب بهزاد و هرات را میرسانند، هکذا دیگر فتوح الحرمين محیی لاری نیز دارای تصاویر

تذهیب

تذهیب کتب نیز از هنر های خیلی مهم دوره اسلامی است و از نسخ قرآن عظیم که از قرن چهارم تا ششم هجری در دست است پدید می آید، که نسخه های کتاب آسمانی را با بهترین و دقیق ترین رسوم و اشکال تذهیب میکردند و مذهبان که این کتب خطی را بعد از تحریر بانواع آرایش های هنری می آراستند در مرتبه از خطاطان و مصوران کمتر نبودند.

مذهبان، حواشی و صفحات اول و آخر و سر فصلها و عنایون کتب و اوایل سوره ها و احزاب قرآنی را با ستارگان و رسوم هندسی و گل و بوته و شاخه و برگها و گاهی با اشکال انسان و پرندگان و آهو و مرغابی و غیره تزیین می نمودند و مانند هنرمندان دیگر نام خود را بران کتاب با صفت "مذهب" می نوشتند، و برای این کار مصارف گزاری با مواد قیمتی از قبیل طلا و نقره و لاجورد و کاغذ عالی و الوان گوناگون میشد.

و قراریکه هنر شناسان رأی داده اند درین تزیینات تذهیبی مخلوطی از رسوم ساسانی و بیزانس و نبطی و کتب یهود و مسیحیان کلیساي شرقی اقتباس می شد.^(۱)

تا کنون کتب خطی تذهیب شده قدیمتری را از دوره سلجوقی یافته اند، که طریقه جدول کشی در سطر های نوشته شده و تزیین حواشی خارج با اشکال و رسوم نباتی از ابتکار های همین عصر می دانند. در دوره مغول مذهبان رنگهای طلایی و آبی و قرمز و سبز و پرغالی را استعمال میکردند و رسوم و اشکال هندسی گوناگون را با ستاره های متعدد و اشکال مربع و مسدس و مثمن و دوایر مشبك و دیگر اشکال مملو از شاخ و بوته نباتات و صور انسانی و حیوانی می نوشتند، و دران منتهای دقت و استادی را نشان میدادند.

از نسخه خطی شاهنامه بایسنقری موزه گلستان (۸۲۳ هـ) که دران صورت مذهب نیز کشیده شده پدیدار است، که مذهب نیز در جمله هنرمندان دیگر آبرو و مقامی در خور اهمیت داشته است.^(۲) در دوره تیموریان هرات بر اهمیت رونق تذهیب افزوده شد، که همان نسخه شهنازه بایسنقری این هنر را در نهایت اوج نشان میدهد و از مذهبان معروف اکادیمی هرات مولانا تاج محمد نقاش و مذهب بود که در علم حبل (جراثمال) و میکانیک و چنی سازی هم دستی داشت، و امیر خلیل و میر ک نیز ازین جمله اند.^(۳)

تذهیب

هر های خیلی مهم دوره اسلامی است و از نسخه هارم تا ششم هجری در دست است پدید می آید، ممانی را با بهترین و دقیق ترین رسوم و اشکال که این کتب خطی را بعد از تحریر بانواع آرایش مرتبه از خطاطان و مصوران کمتر نبودند. حات اول و آخر و سر فصلها و عنایین کتب و آنی را با ستارگان و رسوم هندسی و گل و بوته با اشکال انسان و پرندگان و آهو و مرغابی و مانند هنرمندان دیگر نام خود را بران کتاب با و برای این کار مصارف گزافی با مواد قیمتی دو کاغذ عالی و الوان گوناگون میشد.

باری تذهیب از خصایص بسیار جالب مکتب هنری هرات است، که بعد از آن به پارس و هند و بخارا نیز سرایت کرده و تقلید شده است و در افغانستان بسا کتب خطی هرات بنظر می آیند که نمونه های خوب تذهیب و تزیین بشمار می آیند.

مأخذ:

- (۱) صنایع ایران بعد از اسلام ۷۶.
- (۲) صنایع ایران بعد از اسلام ۷۶.
- (۳) صنایع ایران بعد از اسلام ص ۷۶ بحواله مصوری در اسلام تألیف آرنولد ص ۲۳۹.

ایض بسیار جالب مکتب هنری هرات است، که بعد از
یخارا نیز سرایت کرده و تقلید شده است و در
هرات بنظر می آیند که نمونه های خوب تذهیب

.۷۴ م

.۷۶ م

۷۶ ص بحواله مصوری در اسلام تألیف آرنولد ص .۲۳۹

صحافی و جلد سازی

اما هنر صحافی و جلد سازی کتب نیز در قرن نهم هجری در هرات باوج خود رسیده بود، از بهترین کارهای صحافی و تجلید کتب که تا کنون بوجود آورده شده صحافی های مدرسه هرات دوره تیموریست که صنعت صحافی و چرم کاری بحد کمال رسید و دارای طرحهای عالی است که دران نهایت دقت و مهارت بکار رفته است. قسمت خارجی معمولاً دارای تزیینات فشاری است، در حالیکه در قسمت داخلی طرحهای زیبای بریده شده، روی زمینه آبی رنگ قرار داده شده است، و نمونه های خوب صحافی و تزیینات جلد کتاب در نسخه های مورخ ۸۴۹ هـ کتابخانه توپقاپو سرای استانبول، و خمسه نظامی مؤرخ ۸۵۰ هـ متropolitien موجود است.

در قرن ۱۵ و ۱۶ صنعت کتب ممالک اسلامی را در ایتالیا و مخصوصاً در شهر وینز تقلید میکردند و بدین وسیله بسیاری از نمونه های شرقی در طرحهای اروپا راه یافت و صنعت جلد سازی و طلا کوبی بسبک اسلامی در تزیین جلد کتاب در اروپا شایع شد. (۱)

اگرچه درین دوره هرات در فن جلد سازی و صحافی گوی پیشی را ربوده، اما غیر ازان مراکز دیگری نیز وجود داشته که مهمتر از همه در خراسان و سمرقند و مرو و مشهد و بلخ و نیشابور بود. (۲) و جلد سازان برخلاف روش های قدیم که در تزیین بکار میرفت برای تزیین جلد ها مناظر طبیعی و اشکال حیوانات و پرندگان حقیقی و خرافی را در نهایت دقیق و اتقان بکار بردنده. این هنرمندان فشار با ابزار های ساده را برای ترسیم اشکال هندسی و شاخه و بوته در روی جلد ترک کردند، و قالب های فلزی را که هر کدام دارای شکل مستقلی بود بکار برده و با آنها بجلد فشار وارد آورده و ذر اثر این فشار اشکال نباتات و حیوانات را و شکل آدمی را بطور برجسته در روی جلد نمایان می ساختند. صحافان و جلد سازان مکتب هنری هرات از نیمه قرن دهم هجری (۱۶ م) برای تزیین جلد ها اشکال و رسم های لاکی را نیز بکار برده و قدیمترین جلد های این نوع کتابها در سال ۹۲۱ هـ ۱۵۲۵ م است که از حیث رنگ آمیزی خیلی زیبا و ممتاز است و رنگهای مشکی و طلایی زیادتر بکار رفته است. نباید فراموش کرد که مکتب هرات در فن جلد سازی تأثیر زیادی نسبت بسایر مراکز فنی داشته و رفت و آمد هنر و ران بدان شهر فراوان بود.

و اکادیمی هنری هرات که در سال ۹۱۳ هـ ۱۵۰۷ م با هجوم شیبانی خان منحل شد، اغلب هنروران آن بمراکز دیگر فنی در هند و پارس و دریار عثمانی هجرت کردند.

باید دانست که این جلد های هزلها، که در دقت و نکات فنی و صنعتی یکی از معجزات فن آن بود تنها منظور از ساختن آنها این نبود، که بمترله غلافی باشد که کتاب را بدان حفظ کنند، بلکه خود آنها جزئی از اجزاء گرانبهای کتاب بشمار میرفتند، و کتاب با وفاقه خود در محفظه بی از دیبا یا مخمل یا صندوق چوبی حفظ می شد. (۳)

اشکال نباتی:

دوره غزنوی بظریف کاری در تزیینات نباتی که از شاخه و ساقه های ممتد تشکیل می شد امتیاز خاصی داشته و با توازن و تناسب بسیار دقیقی که نمونه کاملی از ابداع و قدرت نمایی در کشیدن اشکال ((ارابسک)) است آنها را نمایش داده است.

در اشکال نباتی و گلها و درخت هایی که از مکتب هرات در تصاویر یا بر روی خزف و یا منسوجات و پارچه های گرانبهایی که در قرن دهم و یازدهم هجری ۱۶-۱۷ م می بینیم، ظرافت عناصر نباتی پدیدار است.

در حقیقت اشکال نباتی که در تزیین صنایع بکار میرفت از قرن ۸ هجری (۱۴م) بسوی تکامل رفته و نمونه صادقی از نباتات طبیعی و حقیقی شده و هنرمندان درین میدان به متنه درجه موفقیت رسیده اند و شاید براثر تأثیر فنون و روشهای چینی بود، که بوسیله مغولها آمده است. (۴)

ب ممالک اسلامی را در ایتالیا و مخصوصاً بدین وسیله بسیاری از نمونه های شرقی در ساخت جلد سازی و طلا کوبی بسبک اسلامی با شایع شد. (۱)

ت در فن جلد سازی و صحافی گوی پیشی را دیگری نیز وجود داشته که مهمتر از همه در مشهد و بلخ و نیشاپور بود. (۲) و جلد سازان بر که در تزیین بکار میرفت برای تزیین جلد ها بالات و پرندگان حقیقی و خرافی را در نهایت این هنرمندان فشار با ابزار های ساده را برای خود بتوه در روی جلد ترک کردند، و قالب دارای شکل مستقلی بود بکار برده و با آنها ذر اثر این فشار اشکال نباتات و حیوانات را ته در روی جلد نمایان می ساختند. صحافان و هرات از نیمه قرن دهم هجری (۱۶م) برای های لاکی را نیز بکار برdenد، و قدیمترین جلد گهای مشکی و طلایی زیادتر بکار رفته است. کتب هرات در فن جلد سازی تأثیر زیادی ورفت و آمد هنر و ران بدان شهر فراوان بود

گرانبها ترین کتب دنیا:

در موزهء گلستان تهران نسخه بی از شاهنامه بخط جعفر بایسنقری موجود است که در سال ۸۲۳ هـ ۱۴۲۹ م نوشته شده این نسخه از شاهکارهای نقاشی این مکتب است، که ۲۲ مینیاتور این کتاب، نقاشی هرات را در اوج ترقی خود نشان میدهد.

از صفات ممتاز این تصاویر رنگ آمیزی درخشان و دقت در جزئیات است، که مختص نقاشی آن عصر میباشد.^(۵)

از لحاظ تذهیب و تزیین نیز این نسخه عالیترین کار مکتب هرات است که تذهیب کاریهای رنگ آن توسط هنرمندان درباری انجام یافته و طرحهای گل و گیاه این تذهیب نمونه دقت در جزئیات و شفافی رنگ است، بطوریکه نظری آن فقط در میناتور کاری دیده می شود.^(۶) معاون آثار عتیقهء مشرق زمین در موزهء بریتانیا پروفیسور د، برتر دربارهء این کتاب نفیس می نویسد:

بایسنقر میرزا پسر شاهرخ (متوفی ۸۴۶ هـ) هنرمندان را از سراسر امپراطوری تیموریان در دارالعلم هرات گرد آورد، درین شهر بود که کاغذ ساز، خطاط، تذهیب کار، صحاف، رنگ ساز، نقاش، شیرازه کار در تهیهء کتابهایی که میتوان بعضی از آنها را از عالیترین کتابهایی که در تاریخ بشر ساخته شده دانست همکاری میکردند و شاهنامه بایسنقری (۸۲۳ هـ) را بوجود آوردن. که خطاطی و تذهیب و نقاشی فقط جزئی از تمام کتابست. صحافان نیز از نظر هنر از همکاران هنرمند خود عقب نماندند و نفیس ترین جلدی برای آن ساخته اند. و حتی نمونه های این

تجلید خراسانی میر د تقلید جلد سازان اروپا گردید، و این کتاب معرف عالیترین مرحله، کمال کتاب سازیست.^(۷) گویند صورت بایسنقر میرزا که این نسخه باو تقدیم شده است با صورت نویسنده و مذهب و نقاشی که دران کار کرده اند درین نسخه موجود است.^(۸)

امتیاز این نسخه در اتقان تصاویر و ابداع در تزیین و استادی در رسم حوادث است بطوریکه روحانیت مخصوصی بآنها بخشیده است و مخصوصاً در تماسک اجزای رسم و وحدت تالیف بین آنها و تنوع در مناظر و خالی بودن از مکرات ملال آور مکتب های تبریز و شیراز و مراعات کمال دقت در کشیدن اسپها و بوته ها و گلها و پرندگان و زینت لباسهایست و توجه خاصی در رسم تفاصیل داستانها و نمایاندن انواع تحف از قبیل قالی و ظروف و غیره شده است.^(۹)

ماخذ:

- (۱) راهنمای صنایع اسلامی ۸۹
- (۲) صنایع ایران ۱۶۴
- (۳) صنایع ایران ۱۴۶ بعد.
- (۴) صنایع ایران بعد از اسلام ۲۸
- (۵) راهنمای صنایع اسلامی ۵۵
- (۶) راهنمای صنایع اسلامی ۸۳
- (۷) میراث ایران ص ۲۴۵
- (۸) صنایع ایران بعد از اسلام ص ۷۶
- (۹) صنایع ایران بحواله سروی آرت ایران ۳: ۱۸۵۱

نسخه بی از شاهنامه بخط جعفر بایسنقری ۱۴۲۹ ه م نوشته شده این نسخه از شاهکار، که ۲۲ مینیاتور این کتاب، نقاشی هرات را مدل.

یر رنگ آمیزی درخشان و دقت در جزئیات عصر میباشد.^(۵)

میز این نسخه عالیترین کار مکتب هرات است آن توسط هنرمندان درباری انجام یافته و عیوب نمونه دقت در جزئیات و شفافی رنگ در میناتور کاری دیده می شود.^(۶)

زمین در موزه بربیانیا پروفیسور د، برتر ویسد:

م (متوفی ۸۴۶ ه) هنرمندان را از سراسر تعلم هرات گرد آورد، درین شهر بود که کار، صحاف، رنگ ساز، نقاش، شیرازه کار عضی از آنها را از عالیترین کتابهایی که در همکاری میکردند و شاهنامه بایسنقری به خطاطی و تذهیب و نقاشی فقط جزئی از نظر هنر از همکاران هنرمند خود عقب برای آن ساخته اند. و حتی نمونه های این

فلز کاری و ترصیع

صنعت ترصیع اشیای برونزی باسas فلزات از قبیل مس و نقره از عصر سلجوقی در خراسان وجود داشته و بالاخره ترصیع کاری ارزش هنری پیدا کرد و اسلوب ابتکاری هرات و نیشاپور و سیستان و مرو که مراکز مهم فلز کاری بودند بتدربیج به سایر ممالک راه یافت. (۱)

فلز کاری مانند دوره قبل سلجوقی از برنز یا مفرغ بوده و ترصیع و خاتم کاری از عوامل تزیینی عمدۀ آن بود، که اینک چند نمونه کار هرات و خراسان موجود است:

۱- در موزه هرمیتاژ شوروی قدیمی ترین نمونه ترصیع کاری یک قلمدان برنجی دارای ترصیع مس و نقره بصورت‌های کوچک و پرنده‌گان کوچک و شاخ و برگ موجود است که مربوط بسال ۱۱۴۸ هـ (۵۴۳ م) در خراسان باشد. (۲)

۲- مهمترین اثر فلز کاری مرصع هرات بی شک سطل مدور دسته دار موژه هر میتاز است که بموجب کتبیه آن در سال (۵۵۸ هـ ۱۱۶۳ م) در شهر هرات بوسیله محمد بن الوحید ریخته گر و مسعود بن احمد قلم زن برای یکی از تجار شهر زنجان ساخته شده است. و ازین معلوم است که این صنعت دران زمان در هرات سازمان مفصلی داشته و به شهر های دیگر صادر میشد، نقشه های این ظرف عالی از نقره و مس درست شده و پنج ردیف است، دو تای آن مجالس شادی دربار و شکار است، و بقیه مزین با خطوط کوفی و نسخ میاشد و قسمت عمومی خط نسخ، تبدیل بیدن و سرو کله، آدمک هایی گردیده که بسیار دلپذیر و دقیق اند (۳) و اشکال جنگجویان و شکار چیان و مناظر جشن مردان را در حالت نوشیدن و بازی نشان میدهند و صور رفاقت ها و نوازندها نیز بران دیده می شود و کتبیه های کوفی و نسخ آن که بشکل بدن انسانی آورده شده ابتکار خراسان است و ازین ظرف مصنوع هرات میتوان یک مکتب جداگانه ترصیع برنز و مس را تشخیص داد. (۴)

۳- ابریقی که در مجموعه 'مورگان بود، نمونه خوبی ازین گروه خراسانی است. بدنه آن دارای تزیینات متشابک است که در انتهای آنها سر حیوانات مختلف نقش و به دوازده قسم تقسیم شده، که روی آن اشکال بروج فلکی و کواكب و سیارات کشیده شده است. تزیین گردنیه کتبیه کوفی و نسخ است که عیناً مانند آثار دیگر هرات، انتهای حروف بشکل سر انسان در آورده شده است و میتوان گفت که این ظرف در خراسان ساخته شده است. (۵)

کاری و ترصیع

روزنی باسas فلزات از قبیل مس و نقره از وجود داشته و بالاخره ترصیع کاری ارزش تکاری هرات و نیشاپور و سیستان و مرو که تدریج به سایر ممالک راه یافت. (۱)

قبل سلجوقی از برنز یا مفرغ بوده و ترصیع و عمدۀ آن بود، که اینک چند نمونه کار:

ی قدیمی ترین نمونه ترصیع کاری یک ترصیع مس و نقره بصورتهای کوچک شاخ و برگ موجود است که مربوط بسال اسان باشد. (۲)

۴- ابریقی در موزهء تفلیس موجود است که با نقره و مس ترصیع شده و تاریخ آن (۱۱۸۱ هـ ۵۷۷ م) است، که امضای سازندهء آن محمود بن محمد هراتی بران نوشته است. (۶) بدنه این ظرف شیار شیار است و بر روی شانه آن بروج دوازده گانه نقش شده و خصایص کامل‌اً خراسانی را دارد.(۷)

۵- دیگر از آثار هنری خراسان که خصایص صنعت هرات را دارد، قلمدانی است در گالری فریر در واشنگتون که سازنده آن شاهی نامداشت و در (۱۲۱۰ هـ ۶۰۷ م) برای مجددالملک مظفر وزیر اعظم خراسان در مرو ساخته شده و اسلوب تزیین و نوع کتابت کوفی و نسخ همانست که بشکل سر انسان و حیوان کشیده شده و در فلز کاریهای هرات مروج بوده است، و بهمین سبک یک جام برنزی در موزهء متروپولیتن نیز موجود است. (۸)

مأخذ:

(۱) راهنمای صنایع، ص ۱۴۱.

(۲) میراث، ص ۲۲۲

(۳) میراث، ص ۲۲۲

(۴) راهنمای صنایع، ص ۱۴۲

(۵) راهنمای صنایع، ۱۴۲

(۶) راهنمای صنایع ص ۱۴۲

(۷) میراث، ص ۲۲۳

(۸) راهنمای صنایع، ص ۱۴۴

آن موجود است که با نقره و مس ترصیع شده و
 (۱۳) است، که امضای سازنده آن محمود بن
 است. (۶) بدنه این ظرف شیار شیار است و
 ج دوازده گانه نقش شده و خصایص کاملاً

خراسان که خصایص صنعت هرات را دارد،
 فریر در واشنگتون که سازنده آن شاهی
 (۱۲۱۰) برای مجددالملک مظفر وزیر اعظم
 شده و اسلوب تزیین و نوع کتابت کوفی و
 سر انسان و حیوان کشیده شده و در فلز
 ده است، و بهمین سبک یک جام برنزی در
 نمود است. (۸)

منسوجات

باید گفت که دوره سلجوقی ارتقای صنعت بافندگی بوده است که
 دو عامل مؤثر داشت یکی تعالیمی که بواسطه سلجوقیان از سبکهای
 چینی فرا گرفته اند و بر اثر آن ترسیمات دقیق نباتات و پرندگان و
 حیوانات در اشکال تزیینی آنها تجلی نمود، دوم اسالیب اسلامی که در
 بلاد بین النهرين متداول بود، و فروع بوته های نباتی و حواشی را بجای
 موضوعات تزیینی ساسانی بکار بردند. (۱)

از مراکز نساجی قبل از دوره مغول خصوصاً هرات شهرت داشت و
 مغولیان در هرات و نیشاپور به ارباب صنایع اذیت کمتر رسانیدند، در یکی
 از موزه های شهروین مجموعه یی از منسوجات ابریشمی دوره مغول
 موجود است که جزو کفن روولف چهارم دوک اتریش بود و بران
 اشکال پرندگان بزرگی است که بر زمینه اطلسی بافته شده و روی
 یکی از آنها کتابتی با خط نسخ درشت بنام سلطان ابو سعد (۷۳۶-۱۷۱۷ ه)
 موجود است. (۲)

شهر های خراسان از قبیل سمرقند و هرات در عصر تیموریان مراکز مهم بافتگی بود، که امراء و شاهان می پوشیدند، و بهترین پرده ها و فرشها و بالش و متکاها را ازان درست میکردند، و سبک تزیینات دوره تیموری در کثرت اشکال نباتات متصل با طلا و نقره واشکال پرنده گان مطابق روش چینی بر پارچه های مخلع بسیار عالی است، که یکی از جهانگردان ایتالیا آنرا دیده بود. چون بین دربار های تیموریان و شاهان چین روابط سیاسی و اقتصادی برقرار بود، بنابران اثر صنایع چینی در هنر های زیبای خراسان بخوبی دیده می شود، و حتی در (۸۲۳ ه و ۸۲۶ ه) چون هیأت اعزامی دربار هرات به چین رفت، غیاث الدین نقاش مشاهدات خود را که مخصوصاً معلومات زیادی در باره اینه و البسه، چین بود، گزارش داده است. و بنابران دوره تیموریان در تکمیل موضوعات تزیینی و نقش و طرح پارچه ها، لطافت و زیبایی خاصی یافته و ازان حالت ابتدایی و خشونتی که در پارچه های عهد ساسانی و صدر اسلام دیده میشود رهایی یافته است.^(۳)

همانطوریکه هرات پرورشگاه صنایع نفیس در دوره تیموری بود، در عصر صفویان نیز یکی از مراکز مهم بافتگی و نساجی بشمار میرفت. و روش های نقاشی مکتب بهزاد چه در خراسان و چه در پارس در تزیین منسوجات نیز بکار افتاد و بر بسا پارچه های بافته، عهد صفوی که اکنون نمونه های آن باقی مانده، در نقاشی و تصاویر بافتگی آن اثر صنعت سلطان محمد و محمدی و رضا عباسی از بقاوی پیروان مکتب بهزاد دیده میشود.^(۴)

آخذ:

- (۱) صنایع ایران ۲۳۱.
- (۲) سروی آرت ایران ج ۶ تابلوی ۱۰۰۳.
- (۳) صنایع ایران ۲۴۰.
- (۴) صنایع ایران بعد از اسلام ۱۲۴۳.

بل سمرقند و هرات در عصر تیموریان مراکز مهم نمی پوشیدند، و بهترین پرده ها و فرشها و بالش و ند، و سبک تزیینات دوره تیموری در کثر تقره واشکال پرنده گان مطابق روش چینی بر پارچه، که یکی از جهانگردان ایتالیا آنرا دیده بود. چون اهان چین روابط سیاسی و اقتصادی برقرار بود، های زیبای خراسان بخوبی دیده می شود، و حتی هیأت اعزامی دربار هرات به چین رفت، غیاث را که متنضم معلومات زیادی در باره اینه و ده است. و بنابران دوره تیموریان در تکمیل رح پارچه ها، لطفت و زیبایی خاصی یافته و ازان در پارچه های عهد ساسانی و صدر اسلام دیده

شگاه صنایع نفیس در دوره تیموری بود، در ذ مهم بافندگی و نساجی بشمار میرفت. و روش خراسان و چه در پارس در تزیین منسوجات نیز یافته، عهد صفوی که اکنون نمونه های آن باقی مانده اند. (۱) آن اثر صنعت سلطان محمد و محمدی و تب بهزاد دیده میشود. (۲)

۱۰۰۳

قالین بافی

قالین بافی از هنر های قدیم خراسان بود. ا.س. ادواردز که عمری را در قالین شناسی مشرق زمین بسر برده در فصل خاص قالی کتاب میراث ایران، دلایلی را می آورد که هنر قالی بافی قبل از نفوذ عناصر تورکی و هجوم اقوام مغول در سرتاسر خراسان رواج داشت و اکثر جغرافیا نویسان عرب و عجم از صنعت قالی بافی در خراسان از زمان قدیم و اوایل دوره اسلامی یادی گرده اند. (۱)

و بقول بی. گدار. نمونه هایی از قالین عهد ساسانی نیز در دست است. (۲)

م. س. دیماند در باره قالین بافی خراسان معلومات مقتضی می دهد و گوید: مارکوپولو که در حدود (۶۶۹ ه ۱۲۷۰ م) به آسیای صغیر مسافت کرد. میگوید که زیباترین و عالیترین قالینهای دنیا بوسیله هنرمندان یونانی و ارمنی در بلاد ترکمن بافته می شود. (۳) و ازین آشکار است که

در بلاد شمالی افغانستان و خراسان صنعت قالی بافی در کمال عروج وجود داشت. دیماند گوید:

از قالیهای مشهور و جالب توجه که نقش گل و برگ نخلی و شکل ابر بسبک چینی دارند این نوع قالی که نمونه های زیادی ازان در موزه ها و مجموعه های خصوصی یافته میشود. اشتباه باصفهان نسبت داده میشوند. در صورتیکه در حقیقت متعلق به هرات و مشرق ایران است. در کار های نقاشان هلندی و اسپانیایی اواخر قرن ۱۶ و ۱۷ تصویر اینگونه قالیها دیده می شود. اولریوس که با سفیر دوک هلشتین - گوتورپ در حوالی سال ۱۶۳۷ م (۱۰۴۷ ه) با ایران آمده، مینویسد که زیباترین قالیهای ایران در هرات خراسان بافته میشد. شهرت خراسان برای نفیس بودن قالیهایش از طرف دیگران نیز تائید گردیده و در قرن ۱۶ و ۱۷ هرات مرکز عمدۀ قالی بافی خراسان بود. (۴)

در قالیهای قرن ۱۷ نوع هرات، نقش همان نقش قرن ۱۶ است ولی قدری درشت تر شده و در عصر صفویان هم هرات یکی از مراکز عمدۀ این فن بود و حتی در مینیاتور های کتب مصور دوره تیموریان اشکال این گونه قالیها به نظر می آید و از خصایص آن برگهای بزرگ دندانه دار است و حتی در هندهم ازین نوع قالی اقتباس کرده بودند. (۵) قدیم ترین نمونه قالی بسیار زیبای خراسانی در موزه پولدی پذولی شهر میلان از قرن دهم هجری (۱۶ م) موجود است که آنرا یکنفر خراسانی ساکن جام ساخته و این بیت بران نوشته است:

شد از سعی خمیات الدین جامی بدین خوبی تمام این کار نامی (۶) در قرن‌های ۹ تا ۱۱ هـ نقاشان به کشیدن تصاویر کتب خطی اکتفا نکرده و نفوذ خود را در سایر انواع فنون مانند تزیین عمارت و مصنوعات چینی و پارچه‌ها و قالیها نیز بکار برده اند مهمترین نقاشانی که در نقشه کشی قالی کار کرده اند: بهزاد و سلطان محمد و سید علی اند. (۷) دکتور زکی محمد حسن مصری راجع به قدمت صنعت قالی بافی افغانستان گوید:

اگرچه تاریخ قالی‌های معروف راجع به دورهٔ سلجوقی است ولی از مصادر ادبی و تاریخی بر می‌آید در قرن پنجم هجری (۱۱ م) قالیهای نفیسی در دربار سلاطین غزنوی بوده است (۸) و تصاویر فرشهایی که در مشرق ایران خصوصاً آنهایی که منسوب به هرات اند در تابلوهای فنی اروپاییان در اوخر قرن دهم هجری (۱۶ م) زیاد کشیده شده است. (۹)

در انواع قالی، قسم گلدار هراتی در خراسان شهرت داشت که منسوب به قرن ۱۰ و ۱۱ هـ (۱۶ و ۱۷ م) است نقشه این قالیها عبارت از سبزه و گیاه و بادزنهای نخل بوده و زمینهٔ قالی‌های هرات لاکی رنگ و حاشیهٔ آن سبز می‌باشد که در قرن ۱۱ هـ بادزنهای نخل آن بزرگتر از سابق بوده و در اصل نقشه برگهای بلند و مقوسی هست و ازین پدیده می‌آید که خراسان و هرات از زمان غزنویان یکی از مراکز عمدهٔ فنی بود. (۱۰)

یک عده سجاده به دورهٔ صفوی نسبت داده می‌شود نقشهٔ اصلی آنها آیات قرآن است که بعضی بخط نسخ و برخی بخط کوفی نوشته شده و نکات دیگر نقشه و رنگ آمیزی آنها شبیه به قالی بافت تبریز است ولی متخصصین در محل بافت آنها موافقت ندارند و عده‌ی آنرا بافت هرات میدانند.

از قالیهایی که به هرات نسبت داده شده عده ایست که نقشهٔ آنها گل و موبیچ پیچ می‌باشد که در اطراف گل عباسی بزرگ کشیده و آن

عبارتست از طرح گلی که دور آن حلقه بی مدور یا بیضوی شکل از برگ دارد. در قالی های هرات نقش ماهی نیز دیده میشود که به برگ بلندی شباht دارد. یک قالی این سبک در خزینه امام رضا در مشهد هست که به حدود (۹۰۰ هـ) تعلق دارد.

قالیهای هرات در طرح قالیهای هندی نفوذ مهمی داشته اولیاریوس المانی که در زمان شاه عباس بایران آمده مینویسد که بهترین قالیها در هرات باقه میشد یک قسم قالیها را در اروپا و امریکا بنام قالی گلدانی میخوانند، زیرا نقشهء بعضی از آنها گلدانیست که ازان شاخ و برگ بیرون می آید. گلهای عباسی و اشکال گل و برگ که در این نوع قالی دیده میشود شبیه به نقشهء قالیهای هرات است. (۱۱)

مأخذ:

A. C. Edwards (۱)

(۲) میراث ایران ص ۳۶۰ به بعد.

(۳) تمدن ایرانی ص ۲۹۱

(۴) راهنمای صنایع اسلامی ۲۵۸.

(۵) راهنمای صنایع ص ۲۵۷ به بعد.

(۶) سروی آف پرشن آرت ج ۲ ص ۲۴۳۷ و کتاب قدیم ج ۲ تابلوی ۲۲.

(۷) صنایع ایران بعد از اسلام ص ۱۵۷

(۸) همین کتاب ص ۱۵۹.

(۹) همین کتاب ص ۱۶۳.

(۱۰) همین کتاب ص ۱۶۹.

(۱۱) تاریخ صنایع ص ۱۹۲ به بعد.

ابنیه

امیر تیمور معماران، نقاشان و صنعتگران را از نواحی مختلف گرد آورد و به پایتخت خود سمرقند برد، این عده در ساختمان و طرح بناء سبکی ایجاد نمودند که با وجود اینکه صنعتگران آن از نواحی مختلف آمده بودند آن سبک کاملاً خراسانی بود. ساختمانهای سمرقند همه عظیم و دارای تزیین و آرایش عالی بودند.

مسجد گوهر شاد مشهد که ازین ابنیه است به نظر بعضی از باستان شناسان در زمرة دوازده عالیترین بنای تاریخی دنیا بشمار میرود که در حدود ۸۲۱ هـ بنای آن تمام شد و به دوازده سال در تحت نظر قوام الدین معمار معروف انجام یافت.

سر در این مسجد یک طاق عظیم کاشی کاری میباشد که در طرفین آن مناره است و بجای اینکه مطابق معمول روی دیوار بنا شده باشد تا سطح زمین امتداد یافته اند. زیبایی کاشی کاری آن حیرت آور است و سر

در عظیم را کتیبه مفصلی از کاشی احاطه نموده که دران باستقر محاسن و تقوای مادر خود گوهر شاد را تمجید میکند.

داخل ایوان کاملاً سفید و ساده است و کتیبه هایی زیر گنبد عظیم دارد. این مسجد بسبک چهار ایوانی ساخته شده در کاشی کاری ایوان رو بقبله برنگ قرمز بیشتر اهمیت داده شده و در ایوان های طرفین رنگ فیروزه، آبی و سبز بیشتر دیده میشود، همه دارای موزائیک های کاشی است که از حیث ترکیب قابل توجه است. گنبد پیازی شکل و رنگ آن سبز تیره است و کتیبه بزرگ سیاه دارد و این مسجد یکی از شاهکار های معماری دنیاست.(۱)

در قریه طبیات نزد یک مرز فعلی ایران و افغان ساختمان مزار مولانا شیخ زین الدین است که روی سر در آن چند کتیبه است که دارای خصایص عصر تیموریان بوده و در داخل آن کتیبه بزرگی است با کاشی سفید روی زمینه آبی که اسم شاهرخ بهادر با کاشی زرد رنگ دیده میشود. در تربت شیخ جام بین مشهد و سرحد افغان بعضی ابنیه مقبره ها متعلق بزمان تیمور است و مقبره گوهر شاد در هرات بناییست مربع شکل که گنبد آن سه مرتبه دارد.

گنبد اولی برای تزیین زیر گنبد به کار رفته و گنبد وسطی برای نگهداری و گنبد خارجی که به دنده های مدور متصل شده با کاشی آبی رنگ پوشیده شده است.

این مقبره سابقاً به بنای دیگری وصل بوده است و هفت مناره بسیار بزرگ بلند در نزدیکی آن قرار دارد. دو تای آن به مصالی معروف تعلق داشته که گوهر شاد آنرا ساخته یکی به بنایی که وصل مقبره بوده و چهار مناره بزرگ که با تکه های بزرگ سنگ مرمر و کتیبه ها و کاشی کاریهای دارای طرحهای مکرر زینت یافته و نشان میدهد که معماری و تزیین عصر تیموریان تا چه درجه زیبایی و عظمت داشته است.

در دوره سلجوقی به ساختمان و آجر کاری بیشتر اهمیت داده میشود ولی در عصر مغول و تیموریان در تزیین بیشتر دقت شده و رنگهای گوناگون در بنا های عظیمی که با کاشی های الوانی که در تمام تاریخ دنیا نظیر ندارد، ظاهر میگردد.

مأخذ:

(۱) تاریخ صنایع ص ۱۸۴.

نجاری

یک قسمت در های چوبی که راجع به قرن پنجم هجری (۱۱ م)
میشود در مقبره سلطان محمود غزنوی بود که اکنون در هندوستان در
قلعه آگره میباشد این در ها منبت کاری است و ازین حیث خیلی شیوه
است به آثار چوبی که در ترکستان غربی کشف شده است. (۱)
سطح خارجی این در ها نیز منبت کاری است و با اشکال ستاره یی
چوبی که فوق العاده زیبا و با دقت ساخته شده مزین می باشد. (۲)
حقیقته این اشکال و تزیینات بهترین دلیل بر مهارت و استادی
هنرمندان آن روز است و دقت و استادی آنها ازین آثار متجلی است و
ثبت مینماید که در تنوع اشکال و ظاهر نمودن با بر جسته کردن مواد
تزیینی تاچه حدی موفقیت داشته اند و این تنوع بحدی است که سطح را
متعدد جلوه میدهد و چنان نمایش میدهد که سطوح متعددی از خلال

همدیگر نمایانست و یاروی همدیگر متحرک است و اگر چنین شهکاری را در های مقبره سلطان محمود داشته باشد جای شگفتی نیست، زیرا شهر غزنه در قرن پنجم هجری یکی از مراکز مهم فرهنگی بوده است و فنون و صنایع دران شهر رونق خوبی داشته و پیشرفت مهمی نموده و طرز فنی مخصوصی در انجا بوجود آمده که از حیث تکامل و موضوع تزیینات خیلی قابل توجه شده است. (۳)

نجاری

ماخذ:

- (۱) سروی آرت ایران ج ۶ ص ۱۴۶۲.
- (۲) صنعت اسلامی از جی میگیون ج ۲ ص ۲۹۳ شکل ۱۱۳.
- (۳) صنایع ایران ص ۲۷۸.

چوبی که راجع به قرن پنجم هجری (۱۱ م) محمود غزنوی بود که اکنون در هندوستان در ها منبت کاری است و ازین حیث خیلی شبیه ترکستان غربی کشف شده است. (۱)

هانیز منبت کاری است و با اشکال ستاره بی با دقت ساخته شده مزین می باشد. (۲)

تزیینات بهترین دلیل بر مهارت و استادی دقت و استادی آنها ازین آثار متجلی است و اشکال و ظاهر نمودن با بر جسته کردن مواد داشته اند و این تنوع بحدی است که سطح را نمایش میدهد که سطوح متعددی از خلال

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library